

شکاف عظیم نابرابری درجهان سرمایه داری! صفحه ۱۹	شکاف عظیم نابرابری درجهان سرمایه داری! صفحه ۱۹	در جنبش جهانی کمیونیستی صفحه ۱۹	ازهر دری، سخنی! صفحه ۱۰	تصمیمات ارتجاعی خطرناک! صفحه ۱۰	فراخوان بسیج تظاهرات جهانی علیه داعش - به خاطر کوبانی - به خاطر بشریت ۱ نوامبر ۲۰۱۴، ساعت ۴:۳۰ صفحه ۸
---	---	--	----------------------------------	--	---

به عمل کار برآید به سخندانی نیست!

طرح خارج کردن دانش آموزان بی پول از گردونه تحصیل گامی ضدانقلابی!

درحالی که در آمریکا که مرکز وبهشت سرمایه های خصوصی است، همان طور که در این شماره رنجبر وضعیت فقر نیمی از جمعیت آن کشور را نشان دادیم، اما در ایران طبق تصمیم جهانی انحصارت فراملی نظام جمهوری اسلامی نوکر سرمایه سرسختانه در گسترش خصوصی سازی که همراه است با غارت دارائیهای عمومی توسط آقا ها و آقا زاده ها، واگذاری مدارس دولتی به بخش خصوصی را درپیش گرفته؛ و موضوع جدیدی است که وزارت آموزش و پرورش دولت یازدهم در دستور کار خود قرار داده تا به گفته «فانی» سکاندار این وزارتخانه، با این روش بهره وری آموزشی بیشتر گردد! ...

بقیه در صفحه پنجم

رهائی زنان و مردان کارگر و زحمتکش ایران در چیست؟

گرچه سالهاست که سازمان ملل متحد برای گول زدن مردم تحت عنوان توجه به مسائل اقشار مختلف مثل زنان، کودکان، زندانیان و غیره روزهای جهانی اعلام نموده و از جمله در رابطه با زنان روزدستگیری سه خواهر سیاسی میردال در جمهوری دومینیکن و شکنجه و قتل این خواهران به هنگام درراس قدرت بودن رافائل تروخیو در سال ۱۹۶۰، ۲۵ نوامبر را روز جهانی «دفع خشونت علیه زنان» تعیین نمود ولی ۶۴ سال وقت از آن زمان می گذرد و اعمال خشونتها علیه زنان در تمامی کشورهای جهان تداوم یافته و این امر نشان می دهد که به قول معروف و علا رعم این که «آب از آب تکان نخورده» این مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل هیچ تغییری جدی
بقیه در صفحه هفتم

برای نشان دادن "هم دردی" دروغین خود امتناع نکرده و بدین وسیله تلاش می کنند به مردم بیاورانند که در فکر آنها هستند!! از جمله این که به گزارش خبرگزاری مهر علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اعلام نمود که ۶ تا ۷ میلیون نفر دارای ثروت بالا مانند ثروتمندان خارجی مثل آمریکا هستند و در عین حال ۷ میلیون نفر نیز در فقر شدید به سر می برند. وزیر کار گفت: از سال ۸۳ تا به حال فقر شهری رو به افزایش بوده و به استثنای سال ۸۶ که میزان این شاخص، کمی کاهش می یابد همچنان رو به رشد است. واقعیت به مراتب از این هم در ایران بدتر است ولی به هر حال صحبت این وزیر در کشور ثروتمندی مثل ایران افشاگر حاکمان می باشد. (بنفشه سام گیس که با آمار نقل شده از سوی وزیر کار موافق نیست اعتقاد دارد که بقیه در صفحه دوم

اخیرا در اعلامیه ای از افراد دموکرات بین المللی در دفاع از مبارزات مردم کرد در کوبانی، نظری از کوبانی آمده بود دایر بر این که با تشکر از مردم جهان که به دفاع از مبارزات جاری در کوبانی علیه نیروهای وحشی متجاوز داعش پرداخته اند تاکید داشت ولی تاکنون در عمل کم ترین کمکی از جانب آنان به ملتی که در محاصره به دفاع از خود برخاسته صورت نگرفته است! این انتقادی است حق به جانب و در عین حال هشدار دهنده که ما را به یاد شعر معروفی می اندازد که نیمه اول بیت در تیتراژ این نوشته آمده و نیمه دومش عبارت است از: دو صد گفته چون نیم کردار نیست! که تاکید می برد گفته ی مارکس دایر بر این که تفسیر جهان کافی نیست مسئله برسر تغییر آن است. کار به جایی رسیده است که مرتجعان حاکم نیز از بیان برخی واقعیات تلخ در میان مردم

دستاوردهای انقلاب اکتبر و سوسیالیسم انکارناپذیرند!

۹۷ سال از پیروزی انقلاب کبیر اکتبر در روسیه تزاری می گذرد. انقلابی که در شروع و ادامه اش جهان را به پیشرفت رهنمون شد و با شکست کشورهای سوسیالیستی در ۶۰ سال اخیر شاهد آن هستیم که نظام سرمایه داری چه بر بریتی را بر ساکنان کره خاکی تحمیل نموده است. پس باید یاد این انقلاب کارگری را گرامی بداریم و از دستاوردهای این انقلاب آموخته و آنها را وسیعاً در میان توده های کارگر و زحمت کش تبلیغ و ترویج کنیم. چنین ارزیابی صرفاً ذهنی و به قول رویونیستهای جدیدی که با بیان "مدافعان سنتی سوسیالیسم" تیشه جدیدی را برای سربلند کردن انقلاب سوسیالیستی به ریشه ی آن می زنند و نظراتی که پایه ای علمی نداشته و شبیه اعمال شعبده بازان می مانند باید مقابله نمود. چرا؟
طبقه کارگر در برهه ای از تاریخ جوامع طبقاتی پایه عرصه ی وجود در برخی جوامع گذاشت که فعالیتهای تولیدی، علمی و مبارزات طبقاتی بشر را به مرحله ای رساند که پیشروان این طبقه در قامت مارکس و انگلس توانستند با جمع بندی درست از این مبارزات، درکی علمی از تاریخ ارائه داده و از آن به بعد حرکتهای بشری بر اساس تکیه به علم مبارزه طبقاتی مورد ارزیابی قرار گرفت و آن حرفهائی پایدار ماندند که جنبه ی علمی داشته، در عمل ثابت شده و صرفاً بر اساس احساسات و "کشف شهود" نیستند. این به چه معناست؟ علم متکی است بر بقیه در صفحه سوم

۹۷ سال از پیروزی انقلاب کبیر اکتبر در روسیه تزاری می گذرد. انقلابی که در شروع و ادامه اش جهان را به پیشرفت رهنمون شد و با شکست کشورهای سوسیالیستی در ۶۰ سال اخیر شاهد آن هستیم که نظام سرمایه داری چه بر بریتی را بر ساکنان کره خاکی تحمیل نموده است. پس باید یاد این انقلاب کارگری را گرامی بداریم و از دستاوردهای این انقلاب آموخته و آنها را وسیعاً در میان توده های کارگر و زحمت کش تبلیغ و ترویج کنیم. چنین ارزیابی صرفاً ذهنی و به قول رویونیستهای جدیدی که با بیان "مدافعان سنتی سوسیالیسم" تیشه جدیدی را برای سربلند کردن انقلاب سوسیالیستی به ریشه ی آن می زنند و نظراتی که پایه ای علمی نداشته و شبیه

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

به عمل... بقیه از صفحه اول

اکثریت افراد جامعه با مشکلات معیشتی دست بگریبانند و تعداد افرادی که زیر خط فقر زندگی می کنند به مراتب بیش از ارقامی است که وزیر رفاه از آن یاد کرده است. ۱۳۹۳/۸/۱۴ - آسمان دیلی نیوز)

جناب وزیر به عدم توازن جنسیتی نیز اشاره کرد و افزود: طبق شاخص توزیع فقر بر حسب جنسیت، زنان سرپرست خانوار دو برابر فقیرتر از مردان سرپرست خانوار هستند. ضمن اینکه ۳۵ درصد دختران دبیرستانی در روستا از تحصیل باز میمانند که این رقم برای پسران کمتر است. همینطور ما به موارد زیادی از به کارگیری زنان و دختران با حقوق بسیار پایین در شرکت های خصوصی روبرو هستیم که حتما این مسئله را پیگیری خواهیم کرد. (آسمان دیلی نیوز - ۱۳۹۳/۸/۶)

اما این اعلامها در عمل به جایی تا به حال نرسیده و وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم روزبه روز بدتر شده و اعدام وحشیانه ی خانم جوان ریحانه ی جباری به خاطر قتل مردی متجاوز، آن هم با پرونده ای ساخته گی؛ اسید پاشی و اعدامهای دیگر زندانیان روزی نیست قطع شده باشد به طوری که هم اکنون طبق آمار رسمی نزدیک به ۹۰۰ نفر در دوره زمامداری حسن روحانی اعدام شده اند. فراموش نکنیم که رژیم جمهوری اسلامی در ابتدا وعده های زیادی در رابطه با مجانی شدن کرایه خانه ها، بهای برق، از بین بردن بی سواد و غیره داد و هیچ یک از آنها تحقق نیافت و وعده های بیشتری از وعده های سرخرمن نبودند!! با این مقدمه حال به برخورد نیروهای سیاسی به حوادث در ایران می پردازیم: روزی نیست که تشکلهای چپ در خارج از کشور اعلامیه ای در مورد کارگران، زنان، جوانان، پرستاران، ملیتها، گروههای مذهبی تحت ستم و غیره ندهند. اعلامیه پشت اعلامیه که مردم فرصت خواندن آنها را نیز نمی یابند! جنبه مثبت این امر آن است که آنان مواضع خود را در مورد این مسائل مطرح می کنند. اما جنبه منفی آن این است که گامی جدی در مبارزه با این بی حقوقی ها و تجاوزها به حقوق حقه مردم توسط حاکمان ایران بر نمی دارند و لذا این تشکلهای فقط با تفسیر اوضاع و وظیفه خود را پایان یافته تلقی کرده و رضایت خاطر به دست می آورند و کمتر تلاشی را می توان دید که در فکر چاره جوئی جدی باشند! به همین دلیل هم به قول معروف آب از آب تکان نمی خورد.

حال ببینیم موضع کارگران و زحمت کشان و انسانهای آزادی خواه چیست؟ باوجودی که سرکوب آنان در ایران یک لحظه قطع نمی شود، کارگران سربلند ایران نمونه ی عمل کرد خوب را در جلو همه می گذارند: روزی نیست که اعتصاب و انواع اعتراضات عملی برای دفاع از حقوق پایمال شده شان صورت ندهند و فقط در عرصه ی نامه نویسی و گله گذاری از حاکمان و مدیران باقی نمی ماند. یا به طور مشخص بعدازاین که رژیم درمانده برای نشان دادن قدر قدرتی خود و توسط مزدوران خود در کسوت برگزار کننده گان نماز جمعه به شیوه ای دجال گونه فریاد "والسلاما" به خاطر عدم رعایت پوشش اسلامی توسط زنان را سردادند و گله نوکران "امر به معروف" سرکوب را به راه انداختند و این انصار برای خدمت هر چه بیشتر، اسیدپاشانی را به خیابانها فرستادند تا ببینند تاثیرش چه خواهد شد، نفرت و اعتراضات مردم را در سراسر ایران و از جمله دراصفهان، تهران، مشهد و دانش جویان دردانشگاهها و غیره برانگیختند. در ایلام طبق خبری یک طلبه امر به معروف گو به یک دختر را جوانان زیر ضربات چاقو قرار دادند. این حرکتهای اعتراضی هم راه با اعتراضات در سراسر جهان در عمل رژیم را به وحشت انداخت و برای بی گناه نشان دادن خود کمی دست به عقب نشینی زد و عوامل خارجی را مسبب این اسیدپاشیها ذکر نمود. ولی متوجه شد که چه نفرت عظیمی را نه تنها در ایران بلکه در جهان علیه این بربریت هزاران سال پیش اش برانگیخته است. این نمونه ها نشان دادند که به قول معروف "بگو به مردم ایران که ترک شکوه کنند - جواب ظلم همان آبدیده شمشیر است" مدنظر کارگران و زحمت کشان و مردم است و با اعلامیه های غلاظ و شداد دادن نمی توان جلو تجاوزات داعشیهای حاکم بر ایران را گرفت. بلکه باید وارد عمل شد و پوزه ی این وحشیان قرن بیست و یکمی را متحدا و با تمام قوا و با ارتشی سرخ و انقلابی به خاک مالید و برای آن برنامه ای عملی داشت و نیروهای انقلابی و در درجه اول کمونیستها را متحد نمود. پس اگر نیروهای چپ و به ویژه کمونیستها باید بهترین و انقلابی ترین نمونه و سبک کار پرولتری را نشان دهند باید در درجه اول با آموختن از حرکت اعتراضی کارگران ایران دست به متحد و یکی شدن جهت شرکت در این اعتراضات زده و خود را آماده سازند. اما آن چه که تا به امروز شاهد آن هستیم در جهت خلاف سمتگیری کارگران

حرکت کرده و به جای متحد و یکی شدن، آنها سبک کار خرده - بورژوائی را در پیش گرفته تئوری فرقه گرایی را بیشتر و بیشتر جار می اندازند! و بدین ترتیب از حیطة ی حرف زدن نمی توانند فراتر بروند.

حدود ۶۰ سال پیش در زمانی که رویزیونیستهای مدرن از طریق روزنامه نگاری، اعلامیه دهی و سر و صدای زیاد رادیویی و غیره در توجیه سیاستهای خود حمله شدیدی را علیه ضد رویزیونیستها و به خصوص حزب کمونیست چین و مارکسیست - لنینیستهای جهان پیش می بردند، برخی از کمونیستهای انقلابی نوشتند که اکتفا به انتشارات و اعلامیه دادن و عدم شرکت در مبارزات روزمره کارگران و زحمت کشان بنا به آموزش مارکسیسم سبک کاری رویزیونیستی است و باید به خصوص مارکسیست - لنینیستها از این سبک کار افراطی امتناع بورزند و حرف و عمل شان را با هم هماهنگ سازند.

جا دارد که امروز نیز با آموختن از سبک کار پرولتری به نقد حرکتهای انتشاراتی روزمره نیروهای چپ بپردازیم که نه در نقد نظرات نادرست ایده نولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی - سبک کاری و فرماندهی قلم فرسائی می کنند و نه به عمل انقلابی در پیوند فشرده با طبقه کارگر و توده های زحمت کش از خود علاقه ای نشان می دهند ولی در نوشتن و حرف زدن آن قدر فعال هستند که حتا از روی کمال وجدان به این نوشته ها برخورد نشده و با افول برخورد نظری وجود این همه نظر حالت علی السویه ای در میان سیاسیون ایجاد کرده و هر کس یا جریانی حرفهای خودش را زده و نتیجه اش به مصداق "دزد بازار آشفته می خواهد" به نفع رویزیونیستهای رنگارنگ چپ و راست و زیر علامت سؤال بردن تلاش عظیم طبقه کارگر در ساختمان سوسیالیسم و تئوری انقلابی و علمی آن تمام شده و بیرون ریزی عقده های خرده بورژوائی برای نفی دستاورد های سوسیالیسم را جار می زنند!! درود بی پایان ما به اعتراض کننده گان ضد اسیدپاشی در اصفهان و غیره که در مقابله با داعشیان حاکم بر ایران فریاد زدند: "زاینده رود خشک شده - اسیدپاشی من شده!" که نشانی است روشن از وضعی که حاکمان نوکر جهل و سرمایه در ایران به وجود آورده اند. ک. ابراهیم - ۸ آبان ۱۳۹۳

نئین: به مناسبت چهارمین

سالگشت انقلاب اکتبر

۱۴ اکتبر ۱۹۲۱

معیار سنجش حقیقت درستی عمل است و نه ادعاها!



چهارمین سالگشت ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) فرامیرسد.

هرقدر این روز بزرگ از ما دور میشود، اهمیت انقلاب پرولتری روسیه روشنتر میگردد و ما درباره تجربه عملی مجموع کار خودنیز عمیقتر میانندیشیم.

این اهمیت و این تجربه را میتوان باختصار زیاد و البته بسی غیرکامل و غیردقیق به نحو زیرین بیان داشت:

وظیفه ی مستقیم ونزدیک انقلاب روسیه وظیفه ی بورژوا - دموکراتیک بود، یعنی: براندازی بقایای نظامات قرون وسطائی و زدودن این بقایا تا آخر و تصفیه ی روسیه از وجود این بربریت، از این ننگ و از این بزرگترین ترمز هرگونه فرهنگ و هرگونه پیشرفتی درکشورما...

نظام شوروی همانا یکی از تاییدات یا مظاهراشکار این تحول یک انقلاب به دیگری است. نظام شوروی حداکثر دموکراتیسم برای کارگران و دهقانان است و درعین حال دال بر گسست با دموکراتیسم بورژوائی و پیدایش طراز نوین جهانی - تاریخی دموکراسی یعنی دموکراسی پرولتری یا دیکتاتوری پرولتاریاست. بگذار سگان و خوکان بورژوازی محتضر و دموکراسی خرده بورژوائی که از دنبال این بورژوازی میرود به خاطر ناکامیها و اشتباهات مرتکبه در امر ساختن نظام شوروی ما بارانی از لعنت و دشنام و استهزا برسما ببارند. ما دقیقه ای فراموش نمیکنیم که ناکامیها و اشتباهات ما واقعا زیاد بود و زیاداست. و اصولا مگر می شود در یک چنین امر تازه ای که برای تاریخ جهان تازه است یعنی در امر ایجاد طراز تا کنون نادیده سازمان دولتی، بدون ناکامی و اشتباه خودمان و بهبود انطباق عملی اصول شوروی، انطباقی که بسیار و بسیار از حدکمال دوراست، مبارزه خواهیم کرد. ولی ما حق داریم به خود ببالیم که سعادت شروع ساختمان دولت شوروی و بدینوسیله شروع دوران نوین در تاریخ جهان، دوران سلطه ی طبقه ی نوین که در کلیه ی کشورهای سرمایه داری ستمکش است و همه جا بسوی زندگی نوین، بسوی پیروزی پرولتاریا، بسوی دیکتاتوری پرولتاریا، بسوی خلاصی انسانیت از یوغ سرمایه و جنگهای امپریالیستی گام برمیدارد، نصیب ما شده است.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق - مانو- ۱۲ مارس ۱۹۵۷ (سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی)

دگماتیسم و رویزیونیسم هر دو ضدمارکسیسم اند. مارکسیسم به یقین به پیشرفت خود ادامه میدهد، همپای پیشرفت پراتیک رشد می یابد و هرگز از حرکت باز ایستد. چنانچه مارکسیسم از حرکت باز ایستد و بلا تغییر بماند، روح و حیات خود را ازدست خواهد داد. ولی اصول اساسی مارکسیسم هرگز نباید نقض گردند، چه

در غیر اینصورت اشتباه امری اجتناب ناپذیر خواهد شد... در شرایط کنونی، رویزیونیسم بمراتب زیان بخش تر از دگماتیسم است. و یاد:

درباره تضاد مانو - ژوئیه ۱۹۳۷

در مطالعه هر مسئله باید از ذهنیگری، یک جانبه گری و سطحی بودن پرهیز کرد. ذهنیگری یعنی مسایل را بطور عینی ملاحظه نکردن، یا به عبارت دیگر، عدم بررسی مسایل از دیدگاه ماتریالیستی. من در این مورد در مقاله «درباره عمل» صحبت کرده ام. یک جانبه گری بمعنای ندیدن همه جوانب یک مسئله است... یادیدن جزء و فراموش کردن کل؛ فقط کمبودها را دیدن ولی موفقیتها را از نظر دور داشتن... دیدن درختان و ندیدن جنگل است. از این راه غیر ممکن است که بتوان اسلوب حل تضادها را پیدا کرد، وظایف انقلاب را به انجام رساند، امور محوله را به نحو احسن انجام داد و مبارزه ایدئولوژیک درون حزبی را به طور صحیح بسط و توسعه داد.

و یا: فقط از طریق وحدت حزب کمونیست است که میتوان به وحدت تمام طبقه و تمام ملت دست یافت و فقط از طریق وحدت تمام طبقه و تمام ملت است که میتوان بردشمن غلبه نمود و انقلاب ملی و دموکراتیک را به سرانجام رساند. (مانو - ۷ مه ۱۹۳۷ - آثار منتخب، جلد ۱)



با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضاء وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها

دست آوردهای انقلاب اکتبر ...
بقیه از صفحه اول

ماتریالیسم دیالکتیکی یعنی هم جنبه مادی هر پدیده را در نظر دارد و هم جنبه دیالکتیکی یا حرکت این ماده را در هر موقعیت خاصی بررسی می کند و علم خصلت رشد و تکامل یابنده دارد نه خصلت نفی کننده علم قبلی به طور مطلق! مثلا ۱۵۰۰ سال در دوران برده داری ریاضی دان و فیزیک دان شهیر یونانی فیثاغورس بر اساس مشاهدات علمی اش گفت: "در یک مثلث قائم الزاویه مجذور اندازه وتر آن مساوی است با حاصل جمع مجذور دضلع دیگر آن"، و یا ارشمیدوس دانشمند دیگر یونان حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح کشف کرد که " وزن انسانی که در آب غوطه ور شود به اندازه ی آب هم حجم بدنش که زیر آب رفته است سبک می شود". حدود هزار سال بعد در ۴۰۰ سال پیش نیوتون دانشمند انگلیسی گفت: "نیروی وارده بر یک جسم در حرکتش مساوی است با جرم آن شیبی ضرب در شتاب حرکتی آن در ثانیه." این احکام امروز هم در شرایط مشخصی (نه بی نهایت کوچک و نه بی نهایت بزرگ، صادق هستند. مثلا اگر حرکت شیبی با سرعت بسیار بالائی برود، در آنجا قانون نیوتون نادقیق است ولی در سرعتهای پائین و معمولی برای اشیاء معمولی و نه بی نهایت کوچک، امروز هم این قانون درست است و هم اکنون به کار گرفته می شود. در یک کلام با علم نمی توان بازی کرد و یا سرسری به آن برخورد نمود. البته برای فرار از این واقعیت ادعا می شود که علم اجتماع مثل علوم دقیقه نیست و بدین ترتیب عده ای تلاش می کنند از پذیرش این واقعیت فرار کنند.

بنابراین کسی که امروز از علم طبقه کارگر در پیشبرد جامعه دفاع می کند باید اولاً قوانین ماتریالیسم دیالکتیک را به کار ببرد و ثانيا ادعاهایش متکی باشند بر پراتیک و اوضاع مشخص در هر کشور. به همین دلیل بود که مارکس و انگلس در بررسی تاریخ گذشته جوامع که پراتیک آنها موجود بود و تاریخ نظام سرمایه داری موجود و مبارزه

دستاوردهای انقلاب اکتبر و سوسیالیسم متعلق به طبقه کارگرند!



▶ طبقاتی جاری در آنها صورت گرفته بود، ماهیت این نظام را به طور مبسوطی تحلیل نمودند ولی در رابطه با سوسیالیسم و کمونیسم بسیار محتاطانه عمل کردند و تئوری کامل چه گونه ساختن جامعه سوسیالیستی و کمونیستی را مشروحا فرمول بندی نکردند چون که پراتیک را معیار سنجش حقیقت می دانستند و به قول معروف شکمی و بدون بروز انقلاب سوسیالیستی تئوری نساختند! و باید تاکید نمود به ویژه تازمانی که در حدی جهانی این پراتیک را طبقه کارگر پیش نبرده و که دیگر، مدافعان نظام سرمایه داری و یا ماقبل سرمایه داری تاحدی ضعیف شده باشند که خطر بازگشت آن نظامها را ایجاد نکنند نمی توان از انقلابات در تک کشورها که چون جزیره ای در محاصره ی نظام سرمایه داری باشند انتظار پیروزی دقیق سوسیالیسم را داشت آن هم بر اساس تحلیلی صرفا در مورد دموکراسی! اما بروز این پیروزیها برای طبقه کارگر تاحدی کمک می کند که برخلاف بورژوازی که در دوران رشدش چه گونه گی رشد دادن نظام خودش را به علت پیاده کردن آن در جوامع فنودالی فراگرفت، این امکان برای طبقه کارگر در حد بسیار محدودی نظیر اجتماعی شدن تولید و تاحدی سازماندهی تولید و غیره در جامعه سرمایه داری ممکن نیست و لذا باید خودش بر اساس تجربه و آموزش امر ساختمان سوسیالیسم با پیش رویها و عقب نشینیها راه تعمیق سوسیالیسم را بیابد. امروز هنوز جنبش چپ ایران در ایجاد یک حزب کمونیست گیر کرده و قادر به ایجاد آن نشده گامهای زیادی بیش از حد معقول مادی و دیالکتیکی پیش گذاشته و به مسائل دهها سال آینده امروز می خواهد جواب بدهد و پشت سر هم تئوریهائی در آن موارد صادر می شود که نشان از برداشتن سنگ بزرگی دارد که روی پای این جنبش خواهد افتاد. آیا چنین درک و دغدغه ای در کشف حقایق مربوط به پیش روی و تعمیق سوسیالیسم در بین اینهمه مدعی دفاع از طبقه کارگر وجود دارد؟ آیا دفاع از تئوری انقلابی پرولتاریا در برابر تئوریهای رویزیونیستی، رفرمیستی و آنارشیستی

مقامی دارد؟ آیا امر ساختمان سوسیالیسم را یک پدیده ای مربوط به آگاهی طبقه کارگر از چه گونه پیشبرد آن، می دانند؟ آیا به هنگام انقلاب پرولتری فرد فرد طبقه کارگر تا بدان حد آگاه می شوند که بتوانند حکمی علمی در مورد پیش بردن سوسیالیسم صادر کنند؟ آیا رای دهی شوراهای کارگری در قبل از انقلاب پرولتری به منشویکها و سوسیالیستهای انقلابی و حمایت از دولت کرنسکی نشان نداد که رای قلابی و غیر کارگری بود و پس از توضیح بلشویکها و خط درستی را که لنین با تزه های آوریل پیش گذاشته بود، رهبری این شوراها آنها را بالاخره پذیرفته و انقلاب پرولتری ممکن شد و تدریجا شوراها به آن پیوستند؟ پس باید پذیرفت که انقلاب کردن امری آگاهانه است و متاسفانه در شرایطی مثل انقلاب اکتبر تمامی کارگران جز در حدی کلی و بعضا احساسی درک همه جانبه ای از مجموعه تضادهای موجود در آن نداشتند. به این دلیل خط ایده نولوژیک - سیاسی درست است که باید در مقام رهبری جامعه قرار بگیرد و نه صرفا رای انداختن در صندوقها در شرایط وجود نا آگاهی. این امر را در برخورد به روند سوسیالیسم در شوروی باید به حساب آورد. اگر شوراهای کارگری صرفا قدرت را به دست بگیرند، بقیه شوراهای موجود مرکب از افراد غیر پرولتر کجای کار قرار می گیرند و اگر رای آنان نیز در قدرت به حساب آید آیا نظر شوراهای کارگری حتما مثل هم بوده و اعمال خواهد شد؟ و یا اینکه در صورت عدم انجام این کار مقاومت سرسختانه ای در بین این جماعت غیر پرولتر را بوجود آورده و آنان دست به انواع توطئه ها از جمله در تحمیق بخشی از کارگران ناآگاه خواهند زد، تحت نام فقدان دموکر اسی، فریاد "توتالیتریسم" به ۷ آسمان بلند خواهد شد!

حنا این حضرات سینه چاک "سوسیالیسم مشارکتی" اگر در نظر بگیرند که مبارزه طبقاتی جنگی مرگ و زنده گی بین پرولتاریای متکی بر خط مشی ایده نولوژیک - سیاسی درست و تمامی طبقات استثمارگر و ستم گر است و اگر دیکتاتوری پرولتاریا که دیکتاتوری

براقبلیت این بقایای استثمارگران و بادمجان دورقاب چین های خرده بورژوائی آنان در صورت مخالفتشان با پیش روی سوسیالیسم باید اعمال شود کنار گذاشته شود و آزادی بدون قید و شرط به آنان در تشکیل احزاب و پیشبرد مبارزه خیابانی علیه طبقه کارگر حاکم داده شود، با در نظر گر فتن این که در ابتدا، انقلاب در جزیره ای صورت گرفته که از چهار طرف در برابر انبوه امواج ضد انقلابی قرار دارد و در شوروی هم آن را دیدیم این انقلاب شانس بیشتری از ۷۳ روز کمون پاریس برای بقا خواهد داشت؟

جالب این جا است که در شرایطی که مارکس و انگلس به تئوریهی و مبارزاتی که با انواع رفرمیسم و آنارشیسم در جنبش کارگری پیش بردند در اواخر قرن نوزدهم در میان مبارزات طبقه کارگر نقش درجه اولی از نظر اعتبار کسب کردند. ولی رفرمیسمی که در حزب سوسیال دموکرات آلمان توسط برنشتین و سپس کائوتسکی به میان آمد که اصول مارکسیسم را زیر سؤال بردند و درک نادرست از امپریالیسم داشتند، جنبش متحد جهانی طبقه کارگر را به انشعاب کشاندند که لنین به حق آنها را رویزیونیست و سوسیال - امپریالیست نامید، که صدمه جبران ناپذیری به پیش روی جنبش کارگری متحد در کسب قدرت زدند. این خیانت بار دیگر توسط رویزیونیسمی که در کشور سوسیالیستی و از میان خود حزب پیشرو طبقه کارگر بوجود آمد و شکست سخت تری را بر جنبش کمونیستی وارد نمود و در ادامه نقش مخرب ایده نولوژی خرده بورژوائی هم اکنون توسط حزب مارکسیست - لنینیست آلمان پیش کشیده شده، کوچکترین انعکاسی در جنبش چپ ایران ندارد که اگر این حضرات جنبش کارگری را یک جنبش آگاهانه می دانند و بر علمی بودن آن اعتقادی اگر داشته باشند باید بیشتر از هر چیز به وضعی که در این مورد در حزب کمونیست شوروی و غیره بوجود آمد بپردازند و بدین ترتیب به تئوری کمونیسم علمی عشق بورزند و نه اینکه دموکراسی و انتخابات تبدیل به بحثهای مرکزی بشود و افرادی

گند نظام سرمایه داری (خصوصی انحصاری و دولتی) عالم را فرا گرفته است!



هم که از شرایط مشخص آن زمان شوروی و تضادهای بخرنجی که بین طبقه کارگر و دیگر طبقات ارتجاعی داخلی و جهانی و مداخله‌ی این دخالت‌گری تاحدی که با ترور لنین رهبر توانای طبقه کارگر را از خدمت به پیش روی انقلاب بازداشتند، محاسبه‌ای پیش نمی‌آید!! در واقع این حضرات از همین الان از آزادی بورژوازی و خرده بورژوازی در درون سوسیالیسم بیشتر نگرانند تا پیشروی دیکتاتوری پرولتاریا در از بین بردن قدرت مقاومت این طبقات!!

این نفی گرائی مطلق گرا و خرده بورژوائی در برخورد به انقلاب اکتبر و ساختمان سوسیالیسم تا بدان جا هم اکنون در جنبش چپ ایران پیش رفته که با خاک پاشیدن به نقش طبقه کارگر در پیشبرد انقلاب در شوروی ادعای کنند بعد از درگذشت لنین "راه حل بورژوائی" در شوروی پیش برده شد و در ادامه انقلاب عظیمی را که در اکتبر ۱۹۴۹ در چین تحت رهبری حزب کمونیست چین به پیروزی رسید را در حد انقلابی دهقانی و خرده بورژوائی دانسته و آن همه دستاوردهای آن انقلاب را نفی می‌کنند و عجباً در این ماجرا در دفاع از مقاومت مسلحانه کوبانیها داد سخن می‌دهند. اگر انقلاب چین انقلابی دهقانی بود، اینهمه دفاع از مقاومت در کوبانی - که به حق هم هست - آیا جنبه‌ی عقب‌نماندن از غافلگی را دارد یا اعتقادی عمیق در دفاع از این مقاومت سر بلند می‌باشد!! نتیجه آن می‌شود که:

لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله؛ از بین بردن بیکاری؛ کم کردن اختلاف بین مرزها و از بین بردن مزایای موجود در نظام قبلی؛ رایگان شدن تحصیل؛ بیمه بهداشت برای همه؛ تامین مسکن و کار برای همه؛ حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و مزد برابر در مقابل کار برابر برای زنان؛ به رسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خویش و در عین حال ایجاد احترام متقابل و آزادانه بین آنان؛ ایجاد انترناسیونال کمونیستی و کمک به احزاب تازه تاسیس شده در جهان؛ کمک به جنبشهای ضد استعماری جهان و دفاع از استقلال آنان؛ جانفشانی عظیم در برابر نازیسم و فاشیسم که قصد بردن

جهان به جهالت و تاریکی "نژاد آریائی برتر از همه!" را داشتند؛ رشد دادن وضع اقتصادی در جامعه در شرایطی که جهان امپریالیستی در بحران می‌سوخت؛ آزاد کردن دهقانان از استثمار و ستم فئودالی در چین؛ رها ساختن زنان از ظلمهای قرون وسطائی در چین؛ رها ساختن بزرگ‌ترین جمعیت جهان از فقر و گرسنه‌گی و دهها دست آورد آنان در مورد تعمیق انقلاب سوسیالیستی و غیره راه‌های بورژوائی و دهقانی بود؟! آیا پایان دادن به دوجنگ امپریالیستی که دهها میلیون انسان را کشته و بزرگ‌ترین خرابیها را در اروپا و غیره دامن زد، بورژوائی بود؟ اگر جنبش چپ ایران خود را از این لفاظیهای خرده بورژوائی که از تروتسکی و دیگر شیپور زنان امپریالیسم به ارث برده دست برنداشته و دفاع پر شور از دستاوردهای طبقه کارگر در انقلابات سوسیالیستی و دموکراتیک را کنار نگذاشته و نق و نال بزرگ نمائی کردن از اشتباهات در این کشورها دست برندارد، نه طبقه کارگر را با خود متحد خواهند نمود و نه امیدی در میان مردم برای مترقی و عادلانه بودن نظام سوسیالیستی فراهم خواهد ساخت و نه وحدتی بین نیروهای چپ بوجود خواهد آورد. برچسب زدنهای که این روزها رایج است از اتاقتهای فکری امپریالیستی جلو رانده می‌شود و روشنفکرانی که می‌خواهند خود را آلترناتیوی جابزنند و متفکر کبیر قلمداد کنند، این افکار منحرف را دزدیده و بدین ترتیب به راحتی می‌توانند از امپریالیستها و صهیونیستها پول گرفته و تلویزیون راه بیاندازند؟

رفقا چشمهایمان را باز کنیم بدانیم که امروز به جز دفاع جانانه از دستاوردهای تئوریک که همراه با پراتیک بوده اند به افکار قلابی بی‌پشتوانه متوسل نشویم و ماتریالیسم دیالکتیک را به کار بندیم و نه عرفان دوران فئودالی را!! انقلاب اکتبر کماکان دستاورد درخشان طبقه کارگر بوده و خدمات فناناپذیری به کارگران و زحمت کشان جهان عرضه نمود. زنده باد تئوری راهنمای انقلابی کمونیسم علمی؛ زنده باد مبارزات طبقه کارگر ضد نظام سرمایه داری برای

تحقق سوسیالیسم؛ جلو مداخلات خرده بورژوازی را در صف متحد کارگران از طریق مبارزه ایده‌ئولوژیک با افکار مداخله‌جویانه‌ی آنان در درون طبقه کارگر و نفی دستاوردهای این طبقه، بگیریم. ک. ابراهیم. ۵ نوامبر ۲۰۱۴



طرح خارج کردن... بقیه از صفحه اول

« طرحی که حالا به روستاهای مرزی کشور هم کشیده شده این سؤال را در ذهن متبادرمی سازد که آیا اجرایی شدن این طرح، دانش آموزان (با بنیه مالی ضعیف) را از گردونه تحصیل کشور، خارج خواهد کرد؟

استخدام نیروهای حق‌التدریسی به جای معلمان با تجربه!

هر چند این طرح از جهاتی دیگر نیز خانواده‌ها و البته برخی از نمایندگان مجلس را نگران کرده اما نگرانی‌هایی مبنی بر اینکه طرح مذکور بدلیل استخدام نیروی انسانی ارزان قیمت بجای معلمان با تجربه و دلسوز، کیفیت آموزشی را پایین خواهد آورد بیشتر به چشم می‌آید؛ چرا که طبق قانون وظیفه دولت آموزش رایگان و تامین امکانات لازم برای شهروندان در این زمینه است و واگذاری آن به بخش خصوصی می‌تواند باعث کم‌فروشی در حساس‌ترین بخش زندگی فرزندان این مرز و بوم شود که البته وزیر آموزش و پرورش اینگونه پاسخ می‌دهد: "ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، اجازه واگذاری مدارس دولتی به بخش خصوصی را داده است." به گفته فانی، بر پایه اصل ۳۰ قانون اساسی، تحصیلات تا پایان دوره متوسطه رایگان است، ولی در قانون اساسی نیامده که آموزش و پرورش تا پایان دوره متوسطه باید مدرسه بسازد، معلم استخدام و تجهیزات لازم را تهیه کند تا دانش‌آموزان برای تحصیل به مدرسه بروند. این در حالی است که در نص صریح قانون اساسی آمده که "دولت موظف است تا پایان دوره متوسطه، زمینه تحصیل رایگان دانش‌آموزان کشور را فراهم کند که ما هم‌اکنون در حال انجام این کار هستیم."

جزئیات متناقض طرح از زبان وزیر

اما چندی بعد وزیر آموزش و پرورش در نشست خبری خود با اصحاب رسانه در آغاز سال تحصیلی جدید درباره



جزییات طرح اینگونه گفت: "مدارس دولتی به بخش خصوصی واگذار می‌شوند که دانش آموز نداشته باشند؛ اما خبرها حکایت از اتفاقی دیگر داشت!

هفته گذشته خبرهای متعددی در این زمینه منتشر شد؛ همچون این خبر که "در استان گلستان ۴۰ مدرسه ابتدایی به همراه ۹۷۰۰ دانش آموز به بخش خصوصی واگذار شد". یعنی اتفاقی بر خلاف اظهار نظر وزیر! به گفته اهالی این استان، دقیقاً مدارس که اکثر دانش آموزان آن روستایی و از قشر آسیب‌پذیر هستند و به خاطر وضعیت بد اقتصادی قادر نیستند به مدارس خاص (غیرانتفاعی)، تیزهوشان، نمونه دولتی یا شاهد) وارد شوند، به بخش خصوصی سپرده شده است؛ یعنی قشری که رسیدگی به آنها در قانون وظیفه دولت شناخته شده است.

آسیب به نظام آموزشی کشور با هدف صرفه جویی مالی

اما بسیاری از کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت معتقدند هر چند طرح واگذاری مدارس به بخش خصوصی در ظاهر و در آغاز کار هزینه های دولت را کم می‌کند؛ به این صورت که سرانه دانش آموزان به حساب بخش خصوصی واریز می‌شود و مدیریت بخش خصوصی مکلف به تامین معلم خواهد بود، اما در درازمدت آفت های مهمی دامن‌گیر نظام تعلیم و تربیت به خصوص در مناطق ضعیف خواهد کرد.

باید توجه داشت که قطعاً بخش خصوصی به فکر درآمدزایی است که این مسئولیت را می‌پذیرد و در واقع طبق قانون بازار، برای بخش خصوصی درآمدزایی بر کیفیت ارجح است. بنابراین بکارگیری معلمان که با روش‌های تدریس آشنایی ندارند و صرفاً به خاطر بیکاری و دریافت دستمزد وارد این عرصه می‌شوند، در دستور کار بخش خصوصی قرار خواهد گرفت و معلمان باتجربه‌تر از گردونه تعلیم و تربیت خارج و خانه‌نشین خواهند شد.

بی شک بخش خصوصی به مرور زمان مجبور خواهد بود از کیفیت کار، از واگذاری امکانات و دیگر نیازهای مدارس کم کنند تا سود بیشتری نصیب آنها شود. یا اینکه برای جذب بیشتر دانش آموز در سالهای آتی به فروش نمره و فروش کارنامه قبولی گرایش پیدا کنند!

مدارس روستاهای نقطه مرزی هم واگذار شدند

از طرفی اخبار رسیده از واگذاری مدارس روستایی در دیگر نقاط کشور حکایت از آن

دارد که مدارس که به عنوان طرح پایلوت جانمایی شده، اغلب مدارس روستاهای نوار مرزی و دورافتاده می‌باشد که به نوعی روستاهای دارای فقر فرهنگی است.

حال جای سؤال است که آیا بهتر نبود دولت اگر تا این اندازه اصرار به این طرح ناپخته دارد حداقل چنین طرح هایی برای روستاهای نزدیک شهر جانمایی می‌شدند؟ چرا که روستاهای محروم و مرزی، قطعاً نیازمند معلمین با تجربه هستند تا بهتر بتوانند با فقر فرهنگی مبارزه کنند.

در نگاه دیگر استفاده از نیروهای جدید در مناطق مرزی که بعد مسافتی زیادی با مرکز شهرستان دارد و تدریس کتب جدید توسط این نیروها بی شک بلاشکال خواهد بود لذا در صورت وجود اشکال در تدریس مراجعه به مرکز شهرستان و یا دسترسی به اینترنت با مشکل مواجه خواهند شد؟

هدف آموزش و پرورش صرفه جویی مالی است یا افزایش کیفیت آموزشی؟

نگاهی دقیق به عمق مسئله بیشتر می‌توان به اهداف آموزش و پرورش برای اجرایی شدن این طرح پرداخت. آموزش و پرورش (به گفته خودش) با این روند، در جهت صرفه جویی مالی قدم برداشته است؛ چرا که با سرانه های تعریف شده در آیین نامه این نوع مدارس و از طرفی استفاده از نیروهای جدید با یک چهارم حقوق معلمان رسمی، طرح بیشتر به صرفه جویی مالی سوق شده تا به کیفیت بخشی. ضمن اینکه مشکلات بیمه و حقوق معلمان با تجربه را با این حربه از خود دور می‌کند؛ یعنی پایین آوردن خدمات آموزشی کشور به بهانه نداشتن بودجه!

آیا آموزش و پرورش به سمت عدالت آموزشی قدم بر می‌دارد؟

و در کلام آخر از آنجا که در راهبرد های کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به توسعه و نهادینه کردن عدالت آموزشی و تربیتی در مناطق مختلف کشور و تقویت آموزش و پرورش مناطق مرزی با تاکید بر توانمند سازی معلمان و دانش آموزان این مناطق با تمرکز بر کیفیت فرصت های تربیتی هماهنگ با نظام معیار اسلامی توجه شده آیا می‌توان امید داشت که این برنامه در سند چشم انداز بیست ساله کشور برای رسیدن به افق ۱۴۰۴ و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جایگاه خوبی داشته باشد؟ بی شک کسانی که از وضع مالی بهتری برخوردار هستند به سراغ مدارس می‌روند که از معلمان با تجربه بهره مند شوند نه معلمان کم تجربه، که فقط بدلیل

پایین بودن دستمزدشان مشغول بکار شده اند. آیا این عدالت آموزشی است که قرار است دولت جمهوری اسلامی برقرار کند؟ «(ADN ۱۳۹۳/۸/۴)

[لازم به هیچ نوع اما و اگر نیست در مورد وضعیت آموزشی در ایران! خصوصی سازی فاتحه ی آموزش و پرورش رایگان را در ایران خواهد خواند. چون که هدف یک موسسه ی سرمایه داری خصوصی جذب هرچه بیشتر سود است و در این رفتار کثیف حرص و آز سرمایه داران، فرزندان پولداران از مدارس بهتری استفاده خواهند کرد با معلمان بهتر به مثابه اقلیت ناچیزی از دانش آموزان و اکثریت دانش آموزان از خانواده های فقیر فرصت آموزش خوب را از دست داده و جز تبدیل به نیروی کار پیدی به شدت استثماری آینده ای نخواهند داشت که در این مورد هم با رشد دائمی بی کاری روشن می‌شود که چه آینده ای نکبت باری در انتظار این کودکان خرد سال می‌باشد. لذا باید صدای اعتراض و فریاد ننگ و نفرت بر نظام سود جو را هر روز بلندتر سرداده و این نظامی که جز نادان نگه داشتن اکثریت عظیم مردم هدف دیگری برای ادامه ی حاکمیت خونبارش ندارد را بدین ترتیب باید به زیر کشید تا جمعیت نزدیک به ۸۰ میلیونی مردم ایران از وجود این نحوست عظمای نجات یابند و با استقرار نظامی سوسیالیستی دغدغه های رایگان بودن آموزش و پرورش، بیمه و بهداشت و دهها مزایای دیگر برای همیشه از ایران به دور ریخته شوند. رنجبر]



به تارنما های
اینترنتی حزب
رنجبران ایران
مراجعه کنید و
نظرات خود را در
آنها منعکس کنید!



رهایی زنان و مردان کارگر ...

بقیه از صفحه اول

دربهبود وضعیت در این مورد نسبت به زنان به وجود نیامده است که نمونه های آن را در ایران به طور کاملا آشکاری شاهد هستیم.

۳۶ سال است که نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران حتا یک روز از اعمال استثمار بی رحمانه و ستم وحشیانه بر اکثریت مردم ایران دریغ نکرده است. اگر در ابتدا به علت فشار ناشی از پیروزی انقلاب در سرنگونی رژیم سلطنتی قانون نیم بند کار در اثر فشار کارگران به تصویب مجلس رسید، ولی قدم به قدم بعد از ۱۳۶۸ دولتهای جمهوری اسلامی از علیل تر سازی آن قانون دست برداشته و روز به روز آن را بی خاصیت تر ساخته اند و هم اکنون نیز در جهت ادامه ی این سیاست ضدکارگری پافشاری می کنند.

قانون کار باید توسط خودکارگران تنظیم شده و دولتهای حاکم نیز موظف به احترام و اجرای آن باشند. اما تاریخ نه تنها در ایران بلکه در هیچ جای این جهان نشان نداده که نظامهای سرمایه داری تن به حقوق حقه ی تهیه شده توسط کارگران داده باشند. بنابراین هم اکنون که کارگران تا حدودی در ایران متشکل شده اند باید چنین قانونی را مشترکا تدوین نموده، به تبلیغ آن پرداخته و بر ای قبولاندن بخشهایی از آن به دولت سرمایه داری، مبارزه کنند که در نهایت باید سرنگونی رژیم حاکم را به دنبال داشته باشد. در غیر این صورت به جز دستاوردهای کوچکی نمی توان انتظار داشت که نظام سرمایه داری ایران به خواستهای کارگران و زحمت کشان گردن بگذارد. «حق گرفتنی است و نه دادن!»

در رابطه با احترام به آزادیهای زنان و حقوق دموکراتیک آنان نیز همان طور که از ابتدای انقلاب بهمن دیدیم، بعد از تظاهرات زنان در ۸ مارس ۱۳۵۷ و ترس رژیم از اوج گیری مبارزه زنان در ابتدا قول آزادی حجاب داده شد. ولی به تدریج که رژیم جمهوری اسلامی موقعیت خودش را در ایران قدری تحکیم نمود ایجاد وضع استبدادی را در ایران درگرو فشار بیشتر به زنان و ایجاد محدودیتهای قرون وسطایی و از جمله حجاب اجباری گذاشت تا به حدی که امروز هیچ طبقه یا قشری در ایران به اندازه ی زنان مورد ستم قرار ننگرفته و در برابر این وضع ضدبشری موج نفرت از حاکمان در میان زنان به صورتی سونامی

می توان دید. مردی که قصد تجاوز به او را داشت در این ماجرا کشته شد و این خانم جوان هیچگاه انجام قتل را نپذیرفت ولی علارغم اعتراضات جهانی به عدم اعدام ریحانه، رژیم سرسختانه با اعدام وی این پیام را به زنان ایران داد که در صورت قرار گرفتن در موقعیت تجاوز مردان چنانچه اقدام به دفاع از خود بکنند، سرنوشت شان جز مرگ نیست و بدین ترتیب رژیم جلاذ زنان ایران سوگند یادکرد که مردسالاری را به هیچ وجه حاضر نیست از دست بدهد چون که در چنین صورتی شیشه ی عمر رژیم توسط شورش زنان سربلند در همراهی با کارگران و زحمت کشان مرد شکسته شده و حتا حاکمیت آنان یک روز دوام نخواهد آورد.

بنابراین زنان سربلند ایران نیز باید حقوق حقه خویش را مشترکا تدوین نموده و بر ای تحقق آنها دست از مبارزه نکشیده و بدین ترتیب تا آنجا که در توان دارند بخشهایی از آن را به زور به رژیم بقبولانند و امید واهی به بذل و بخشش حاکمان نداشته و دل بستن به رفهمائی که توسط برخی از زنان وابسته به نظام سرمایه داری در ایران تبلیغ می شود، ندهند.

اگر به خیل این میلیونها انسان کارگر و زحمت کش و یا زنان دیگر انسانهایی نظیر دانش جویان و دانش آموزان، ملل تحت ستم و اقلیتهای مذهبی را اضافه کنیم اردوی عظیمی از استثمارشونده گان و ستم دیده گان در برابر ما ظاهر می شود که در صورت حرکت مشترک آنها تحت رهبری طبقه کارگر، رژیم ایران یک روز هم قادر به ادامه حیات ننگین اش نخواهد شد.

وحدت و سازماندهی چنین تغییر بنیادی را بی درنگ باید آغاز کنیم. اما بدون تردید چنین وحدتی از وحدت کمونیستهای ایران می گذرد که در موضع ایجاد حزب واحد کمونیستی قرار گرفته و فرقه گرایی را بدور ریخته و بر اساس اصول کمونیسم علمی و نکات اساسی برنامه و تاکتیک متحد شوند چه بدون چنین حرکتی کارگران از پیله ی درون خود بیرون نرفته و تبدیل به طبقه ای برای خود نخواهند شد. بنابراین وظیفه ای بزرگ و در عین حال بسیار خطیر در برابر نیروهای چپ قرار دارد که برای همیشه گروه گرایی خرده بورژوازی را از مداخله در امور مبارزاتی طبقه کارگر پاک سازی کنند.

تفسیر روز - آذر ۱۳۹۳



وحدت و مبارزه زنان زیر پرچم کمونیسم علمی تنها راه رهایی آنان است!

سراسر ایران را فرا گرفته است. در این میان نهادهای بین المللی و از جمله واکنش فدراسیون جهانی والیبال به درخواست ابتدائی بانوان تماشاگر ایرانی در مقابل این که حق شرکت در ورزشگاهها برای تماشاای مسابقات داشته باشند و پایان دادن به دستگیری و زندان زنانی مثل غنچه قوامی شهروند ایرانی - انگلیسی که به دلیل چنین درخواستی در ایران به زندان انداخته شده است، به طور آیکی در برابر ما است. رئیس فدراسیون جهانی والیبال با بیان این که «افآیویبی» (FIVB) نمی تواند به صورت مستقیم در مسئله حضور بانوان در ورزشگاههای ایران دخالت کند، اعلام کرد با فدراسیون والیبال ایران مذاکره خواهد کرد!!

فدراسیون جهانی پیش از این با لحن جدی تری نسبت به ممانعت از حضور زنان در ورزشگاهها هشدار می داد. ضمن آنکه مقررات لیگ جهانی والیبال با صراحت بر حضور زنان در ورزشگاه تاکید کرده است. این حضرات گوئی در خواب خرگوشی هستند و از این همه فشار و ستم بر زنان در ایران بی اطلاع می باشند! ولی در واقع آنها به خوبی از وضعیت ستمگرانه حاکمان در ایران اطلاع دارند، اما به قول معروف «از کوزه همان تراود که در اوست!» و «چاقو دسته اش را نمی برد!».

رئیس فدراسیون جهانی والیبال با بیان این که «افآیویبی» (FIVB) نمی تواند به صورت مستقیم در مسئله حضور بانوان در ورزشگاههای ایران دخالت کند، اعلام کرد با فدراسیون والیبال ایران مذاکره خواهد کرد.

ایسنا به نقل از رئیس فدراسیون جهانی والیبال نوشته افآیویبی نمی تواند به صورت مستقیم در مسئله حضور زنان در ورزشگاه دخالت کند. این اظهارات بعد از درخواستهای مکرر در رسانهها و شبکه های اجتماعی برای حضور زنان در ورزشگاههای میزبان رقابت های والیبال بیان شده است.

موارد فشار بر زنان به حدی است که در این مختصر نمی توان به تمامی آنها پرداخت. نمونه زیر که در آن امام جمعه زنجان توصیه نمود که: با کاهش سن بلوغ از ۱۵ سال به ۱۲ سال، پدر و مادر زمینه ازدواج فرزندان خود را فراهم کنند. این حرف به خوبی نشان گر وحشی گری دولت اسلامی ایران در برخورد به حقوق کودکان می باشد.

نمونه دیگر برخورد رژیم ایران به زنان را در بررسی اعدام خانم جوان ریحانه جباری



co-founder of the Mayo's Square Mothers-Argentina; Rosana ALVARADO, First Vice-President of the National Assembly-Ecuador; Maria Augusta CALLE, President of the Commission on Sovereignty and International Relations of the National Assembly-Ecuador; Virgilio HERNANDEZ, Member of the Board of Directors of the National Legislative Assembly- Ecuador; Pedro DE LA CRUZ, President of the Andean Parliament-Ecuador; Francisco VELASCO, Former Minister of Culture, Member of the Administrative Board of "Alliance Country"-Ecuador; Guillaume LONG, responsible for External Relations of Ecuador Alianza Pais Party-Ecuador; Fernando BOSSI, People's Bolivarian Congress-Argentina; Prof Kamal A.Mitra CHENOY, Centre for Comparative Politic & Political Theory, School of International Studies-India; Achin VANIK, Professor of International Relations and Global Politics from the University of Delhi (retired)-India; Amir M. MAASOUMI, Peace Ambassador-India; Sushovan DHAR, Radical Socialist-India; Jatin DESAI, veteran journalist & General secretary of the "PIFPD" (Pakistan India Forum for Peace & Democracy) - India; Wilfred DACOSTA, Indian Social Action Forum (INSAF), New Delhi- India; Sandhya JAIN, Journalist, New Delhi - India; Asha KACHRU, Writer-India; Dr. Suresh KHAIRNAR, National Convenor, All India Secular Forum-India; Kishore JAGTAP, President, Phule-Ambedkar Intellectual Forum-India; Amaresh MISRA, Editor-in-Chief, Medhaj News-India; Anwar KOMBAL, Documentary Filmmaker, writer & journalist, Chennai, India; Javed ANAND, Muslims for Secular Democracy, Mumbai-India; Rohini HENSMAN, Writer and Independent Scholar, Bombay-India; Jawad MOHAMMED, Lawyer from Chennai-South India; Sukla SEN, EKTA (Committee for Communal Amity), Mumbai-India; Sushovan DHAR, Radical Socialist-India; Jatin DESAI, veteran journalist & General secretary of the "PIFPD" - Pakistan India Forum for Peace & Democracy-India; Raghu JAYANTIYA, Engineering Design Manager-UK; Mukta SRIVASTAV, National Alliance of People's Movements, Mumbai-India; Com. VASUDEVAN, Bluestar Trade Union, Mumbai-India; Com Deepti GOPINATH, Airport Workers Trade Union, Mumbai-India; Akshay KUMAR, Orissa Farmers Struggle, Bhubaneswar-India; Prof. Rakesh RAFIQUE, Yuva Kranti, Founder, Moradabad-India; Ravi KOHAR, Convenor, Yuva Kranti (Revolutionary Youth), New Delhi-India; Shelley KASLI, Journalist, Bangalore-India; Salim ALWARE, Indian Muslim Intellectual Forum, Convenor-India; Jyoti BADEKAR, Bharat Bachao Andolan, Mumbai-India; Farouk MAPKAR, Bharat Bachao Andolan, Convenor, Mumbai-India; Yusuf PARMAR, President, Indian Muslim Development Council, Rajkot-India; Arif KAPADIA, Bharat Bachao Andolan, Mumbai-India; Afaque AZAD, Bharat Bachao Andolan, Mumbai-India; Bhupen SINGH, Journalist, New Delhi-India; Shujaat Ali QADRIQ, Convenor, Muslim Students Organization, Lucknow-INDIA; Ashraf Ali ZAIDI, Bharat Bachao Andolan, New Delhi-India; Sanjay SINGHVI, General Secretary, Trade Union Centre of India (TUCl), Communist Party of India (Marxist-Leninist) CPI-ML-India; Luisa MORGANTINI - Former Vice President of EP-Italy; Massimo ARTINI, MP, Vice President of Defence Committee in Parliament- Italy; Prof. Anamaria RIVERA, Anthropologist-Italy; Prof. Enrico Pugliese, Sociology-Italy; Prof. Giorgio FORTI, Emeritus at the Faculty, University of Milan, and Member of the Lincei National Academy-Italy; Prof. Maria Immacolata MACIOTI, Association of Sociology in Italy (AIS)-Italy; Alessia MONTUORI, Association 'Senza Confine'-Italy; Alfonso DI STEFANO, Comitato No-Muos/ NoSigonella Committee-Catania-Italy; Anna DI SALVO, Associations of the "La Città Felice"; Antonio RAMPOLLA, No Muos, Palermo- Italy; Claudio TREVES, General Secretary of the Labor Union Nidil-Cgil-Italy; Enrico Campofreda, journalist-Italy; Fabrizio GATTI, alias Bilal Ibrahim el Habib, journalist and author-Italy; Gianni RINALDINI, former General Secretary of the Labour Union Fiom-Cgil and Member of the Cgil National Board; Giorgio CREMASCHI, Former President of the Central Committee of the Labour Union Fiom-Cgil; Luca CASARINI, co-worker; Pippo GURRIERI, director of the Sicilia libertarian-Italy; Teresa MOAFFERI, Cobas Scuola; Sicilia, Italy; Anarchist Federation of the Sicilia -Italy; Association of the 'Un ponte per...' - Italy; Associations of the 'RUMORI SINISTRI' -Rimini-Italy; Embassy of the Rights, Marche-Italy; MADIBA Network

جهانی برای دفاع از کوبانی درمقابل داعش بسیج شد.

اگر جامعه بین المللی درآرزوی ریشه یافتن دموکراسی درخاورمیانه باشد، باید از مقاومت کرد کوبانی حمایت کند. مدل دموکراتیک مدیریت خودگردان روجاوا نمونه ای است برای تمام ساکنان سوریه. این مدل غیرمذهبی، پلورالیست، است وامکان وحدت در تنوع را متحقق می سازد.

اکنون دست به کارشویم

زمان آن رسیده است که این پیام رابه تمامی عمل کننده گان جهانی بدهیم: سیاست دیگری ممکن است. ما تمامی ملل روی زمین را ترغیب می کنیم به اعلام هم بسته گی با مردم کوبانی.

ما شما را به طورجانانه ای دعوت می کنیم به شرکت در روزجهانی «فی الفور کوبانی»

ازمقاومت علیه داعش حمایت کنید!
ازکوبانی حمایت کنید! ازبشریت حمایت کنید!

اکنون واردعمل شوید!

امضا کننده گان:

Premiers signataires: Prof Noam CHOMSKY-US; Archbishop Desmond TUTU-South Africa; Adolfo Perez ESQUIVEL, Nobel Peace Prize Laureate 1980-Argentina; Hugo BLANCO, leader of the CCP (Campesino Confederation of Peru)-Peru; Prof Bill BOWRING, University of London, Birkbeck College -UK; MICHAEL MANSFIELD QC, President of Haldane Society of Socialist Lawyers-UK; Dr Felix PADEL, Sussex University-UK; Lord HYLTON, House of Lords, UK; Margaret OWEN O.B.E, human rights lawyer-UK; Nick HILDYARD, policy adviser-UK; Prof Kariane WESTRHEIM, EU Turkey Civic Commission (EUTCC)-Norway; Prof Michael GUNTER, EU Turkey Civic Commission (EUTCC)-US; Dr.ir. JP Joost JONGERDEN, Wageningen University, The Netherlands; Estella SCHMID, Peace in Kurdistan Campaign-UK; Dr. David GRAEBER-anthropologist, author, UK; Mark THOMAS, writer/comedian-UK; Peter TATCHELL, Director, Peter Tatchell Foundation-UK; Dr Derek WALL, International Coordinator of the Green Party of England and Wales-UK; Stephen SMELLIE, UNISON Lanarkshire, Scotland-UK; FABIO AMATO, Foreign Representative of the PRC Party and Secretariat of the European Left-Italy; Moni OVADIA, performer/musicians/theatrical author-Italy; Michel ROLAND, President of Médecins du Monde, Belgium; LUDO DE BRABANDER, spokesperson Vrede vzw (Belgian Peace Organisation)- Belgium; WARD KENNES, Mayor of Kasterlee/ MP, Member of the Flemish Parliament-Belgium; Stephen BOUQUIN, Prof of Sociology, Université d'Evry-Val-d'Essone and Chairman of ROOD-Belgium; Em. Prof. Herman DE LEY, Ghent University-Belgium Dr. Suresh KHAIRNAR, National Convenor, All India Secular Forum-India; Kishore JAGTAP, President, Phule-Ambedkar Intellectual Forum-India; Amaresh MISRA, Editor-in-Chief, Medhaj News-India; Feroze MITHIBORWALA, National President of Bharat Bachao Andolan (Movement to Save India from Imperialism & Zionism)-India; Dr Radha D'SOUZA, Indian Association of People's Lawyers - India; Manuel MARTORELL, historian and journalist-Spain; Osvaldo BAYER, historian, writer and anarchist-Argentina; Stella CALLONI, journalist, international analyst and writer-Argentina; Fernando SIGNORINI, Coach of the Argentinian Soccer Team-Argentina; Nora CORTINAS, Human rights activist,

فراخوان بسیج تظاهرات جهانی علیه داعش - به خاطر کوبانی - به خاطر بشریت ۱ نوامبر ۲۰۱۴، ۱۴ ساعت

۱۵ سپتامبر اخیر، سازمان داعش تهاجم گسترده ای را در چندجبهه علیه شهر کوبانی، در شمال سوریه (کردستان غربی، که روجاوا نیز نامیده می شود) ترتیب داد. این سومین باری است که این سازمان شهر کوبانی را از ماه مارس در تیررس قراردادده است.

۲ تهاجم اول با عقب نشینی همراه شد، داعش تمام نیروی خود را برای حمله ای قویتر جهت فتح شهر گردآورد. در ژانویه اخیر، کردهای روجاوا یک نظام اداری خودگردانی را در سه کانتون برپا نمودند که روجاوا یکی از آنها است. کوبانی که یکی از این کانتونهاست در شمال و درمرز ترکیه قراردارد که از چهارطرف در محاصره داعش می باشد. داعش با استفاده از سلاحهای سنگین ساخت آمریکا وارد شهر کوبانی شد. صدها هزار مردم غیرنظامی به مقابله با تهدید نسل کشی می پردازند. در کوبانی، مردم با سلاحهای سبک در برابر حملات وحشیانه ی این گروه مهاجم مقاومت می کنند. برای نجات این مردم تنها روی حمایت ی چ گ و ی پ جی واحدهای دفاع خلقی حساب می کنند.

به این جهت مهم است که در سطح جهانی برای دفاع از کوبانی علیه داعش بسیج شد.

این به اصطلاح ائتلاف بین المللی علیه داعش هیچ کمکی به مقاومت کردان نرسانده، هرچندکه شاهد نسل کشی در جریان می باشد. ائتلاف به وظایفی که طبق حقوق بین المللی باید به اجرا درمی آورد عمل نکرد. چندین کشور عضوین اتحاد از جمله ترکیه، جزو کمک کننده گان نظامی به داعش هستند و نه بیشتر.

به این جهت مهم است که در سطحی



جا نقش داشتند. من شخصا بخاطر حمایت مردم کوبانی در این تظاهرات شرکت کردم. از نظر شرکت کننده دیگر شرکت و حمایت فعال ترک ها بسیار قابل توجه بود و اضافه کرد من بخاطر اعتراض به قتل عامی که در حال صورت گرفتن است در این تظاهرات شرکت کردم.



شخص دیگری اعلام کرد: من گمان می کنم تبلیغ زیاد برای "پ.کا.کا" باعث تفرقه بین کردها می شود. اکثر شعارها به زبان کردی ست، در صورتیکه مردم (آلمانی ها) باید مطلع شوند ما چرا در تظاهرات هستیم و چه جنایتی به دست امپریالیست ها و داعشیان دارد صورت می گیرد. ولی در مجموع شرکت وسیع مردم بخصوص اتحادشان در این اکسیون برایم قابل توجه بود. در گفتگویی دیگر خلاصه نظر یک تظاهرات کننده این بود که: تظاهرات به نظر من چند جنبه مثبت داشت. از طرف نیروها و ملیت های مختلف حمایت گردید. انترناسیونال در سراسر دنیا برگزار شد و علت آن ویژه گی شرایط کوبانی بخاطر شباهتش با "تل زعتر" در فلسطین است. مردم شهری در محاصره داعشیان قرار گرفته اند. اگر مبارزین مقاومت نکنند و شهر سقوط کند فاجعه عظیمتری از آنچه که امروز هست، صورت خواهد گرفت. این وظیفه همه مردم در دنیا است که در برابر



این قتل عام ایستادگی کنند.
گزارش از حزب رنجبران ایران/
واحد هامبورگ



(پ.کا.کا). رساندن سلاح به مبارزین شهر کوبانی. آزاد کردن مرز ترکیه برای پیوستن کرد ها به مبارزین شهر کوبانی... بود. طبق صحبت و نظر خواهی از چند تن از شرکت کنند علن شرکت و نظرشان را جویا شدم.



شخصی در پاسخ سوالم بیان کرد: من با حضور مسلمانان همراه با پرچم انجمن اسلامی، در این تظاهرات راضی نیستم. از نظر من همه ادیان ابزاری برای سرکوب بشریت در دست امپریالیست ها شده اند. برای من قابل قبول نیست، افرادی با پرچم های اسلامی در دست در تظاهرات ضد دولت اسلامی شرکت کنند. یکی از خواسته ها و دلایل شرکت من ممنوعیت داعش و شناختن آن به عنوان جانیان بشریت است. من با شرکت خود با رزمندگان کوبانی و تمام مبارزین جهان که در مقابل سیستم ضد بشری سرمایه داری با چهره های گوناگون به پا ایستاده اعلام همبستگی می کنم..

تظاهرکننده دیگری مطرح کرد: تظاهرات خوبی بود با وجود شرکت نیروهای مختلف و جمعیت گسترده، درگیری پیش نیامد و این از نظر من امر مثبتی است. گمان می کنم مردم به این درک رسیده اند، انسان ها در کوبانی در حال جنگ و مبارزه برای زنده ماندن هستند. زنان و کودکان در خطر جدی قرار دارند و می بایست از آنها حمایت کرد.



من بخاطر دفاع از جان انسان ها در این تظاهرات شرکت کردم من خود را کرد، ترک، ایرانی، افغانستانی و ... می دانم. شرکت کننده دیگری اینطور گفت: در تظاهرات سعی می شد حضور "پ.کا.کا" به صورت ویژه ای برجسته شود، در صورتیکه نیروهای مترقی بسیاری در این

House- Rimini-Italy; Magazine of the 'Sicilia Libertaria'-Italy; NO MUOS Ragusa-Italy; Polisportiv of the ACKAPAWA, Jesi-Italy; Polisportiv of the ANTI-RACISTS, Rimini-Italy; Polisportiv of the 'ASSATA SHAKUR' Ancona-Italy; Social Center Groups of the Marche regions-Italy; Social Center of the AQ16 -Reggio Emilia-Italy; Social Center of the INTIFADA, Empoli, Italy; Social Center of the NORTH EAST-Italy; Social Center of the S. LABAS, Bologna-Italy; Social Center of TPO-Italy; YA BASTA! Bologna-Italy; YA BASTA! Marche -Italy; YA BASTA! Trento -Italy; YA BASTA!, Padova-Italy; YA BASTA!, Treviso-Italy; Laxman SINGH, Research Scholar (Jamia Millia Islamia)-India; Michel ROLAND, President of Médecins du Monde, Belgium; LUDO DE BRABANDER, spokesperson Vrede vzw (Belgian Peace Organisation)- Belgium; Georges-Henri BEAUTHIER Lawyer-Belgium; Hind RIAD, Lawyer-Belgium; Selma BENKHELIFA, Lawyer-Belgium; Olivier STEIN, Lawyer-Belgium; Joke CALLEWAERT, Lawyer-Belgium; LUDO DE BRABANDER, spokesperson Vrede vzw (Belgian Peace Organisation)- Belgium; DOMINIQUE WILLAERT, Artist- Belgium; Kariane Westrheim, Chair Prof Dr Michael Gunter, Secretary General -EU Turkey Civic Commission (EUTCC) UK contact: Estella Schmid Peace in Kurdistan -Campaign for a political solution of the Kurdish Question Email: estella24@tiscali.co.uk Tel: 020 7586 5892 www.peaceinkurdistancampaign.com

تظاهرات جهانی علیه داعش در هامبورگ

روز شنبه اول نوامبر 2014 از ساعت 2 بعدازظهر تظاهرات وسیعی با شرکت هزاران نفر برای دفاع از مبارزین کوبانی و علیه جنایات داعش در شهر هامبورگ صورت گرفت. مسیر تظاهرات از مرکز شهر هامبورگ تا مقابل سفارت ترکیه برنامه ریزی شده بود و تا ساعت پنج به طول انجامید.



احزاب، سازمان ها، نیروهای مختلف و افراد منفرد با شرکت وسیع همبستگی و حمایت خود را از رزمندگان کوبانی اعلام داشتند. در بین شرکت کنندگان حضور فعال احزاب کمونیستی آلمان از جمله (ام.ال.پ.د) به چشم می خورد. همچنین تعداد چشمگیری از فعالین سیاسی ایرانی مقیم شهر هامبورگ در تظاهرات حضور داشته و از این طریق جنایات داعشیان در منطقه را محکوم کردند. از جمله خواسته های تظاهرات کنندگان ممنوع کردن دولت اسلامی در آلمان. رفع ممنوعیت از حزب



تصمیمات ارتجاعی خطرناک!

به گزارش ایرنا، «علی اکبر صالحی» در جمع خبرنگاران درباره عقد قراردادهای جدید ساخت نیروگاه های اتمی با کشورهای دیگر افزود: انعقاد قرارداد ساخت دو نیروگاه با روسیه در مراحل نهایی است که امیدواریم در آینده نزدیک عملی شود. وی یادآور شد: این دو نیروگاه که برای ساخت آن با روس ها در حال مذاکره هستیم نیروگاه هزار مگاواتی است.

معاون رییس جمهوری که پس از شرکت در جلسه کمیسیون انرژی مجلس سخن می گفت، تصریح کرد: ساخت یک نیروگاه امسال کلید می خورد و عملیات اجرایی شدن نیروگاه بعدی نیز دو سال دیگر آغاز می شود. صالحی همچنین در پاسخ به این سوال که روس ها در این زمینه سابقه خوبی ندارند و بدقول هستند، گفت: روس ها شریک بدقولی نیستند و نباید با این دید به آنها نگاه کرد. (۹۳/۷/۸ آسمان دیلی نیوز)

ما بارها علیه ساختن نیروگاههای اتمی موضع گرفته و دست یابی به انرژی سالم را از راههای دیگر یادآوری کرده ایم. ولی به نظرمی رسد حساسیت لازم در میان نیروهای سیاسی به خصوص چپ در این زمینه نبوده و هماهنگی لازم را در اعتراض به این تصمیم خطرناک از خود نشان نداده اند. آیا سیاست مداران متحجر در حوزه های طلبه گی از سیاست مداران کشورهای امپریالیستی مثل آلمان و ژاپون وغیره که درصدد جمع کردن تدریجی نیروگاههای اتمی خویش هستند و جای گزین نمودن آنها با نیروگاههای تولید کننده انرژی سالم می باشند، عاقل تر و دوراندیش تر شده اند؟! هر دانش آموز دبیرستانی می تواند از دولتیان اسلامی ایران بپرسد: چه تضمینهایی در برابر جلوگیری از فاجعه زلزله در نیروگاهها دارید؟ آن هم درایرانی که تماما در مسیر زلزله خیزی قرار دارد! اورانیومهای غنی شده را پس از مصرف که باید جای گزین نموده و آنها را که شدیداً رادیو اکتیو برای هزاران سال باقی می مانند در کجای این کره خاکی می خواهید چال کنید و آسیبی هم به ساکنان و موجودات زمین نزنید، آن هم در شرایطی که تخریب محیط زیست تا به آن حد از خطرناک شدن رسیده که آینده ای تیره و تار را برای کره زمین و موجودات پیش آورده است؟ چرا با وجود امکان دست یابی به انرژی سالم از نور خورشید و داشتن ذخایر عظیم گاز برای تامین انرژی لازم باز

به دنبال خودزنی بشریت هستید؟ به هر رو، برای حاکمانی که مسئله رفتن به مستراح با پای راست یا چپ معضل روز است و در ایجاد افکار قلابی نظیر این که بروز زلزله ناشی از عدم رعایت زنان ایران از حجاب اسلامی است، بدون این که جوابی به این بدهند که طبق این نظر قلابی شما چرا کلیه کشورهای جهان که در آنها پوشش برای زنان آزاد است تاکنون توسط زلزله کون فیکون نشده اند؟

بنابراین جا دارد تا جبهه ی وسیعی از طبقه کارگر و زحمت کشان و افراد مدافع محیط زیست سالم باید در مخالفت با تبدیل ایران به قبرستان نیروگاههای اتمی به وجود آورد و علیه کلیه دولتهای بورژوائی اسلامی و غیر اسلامی در ادامه دادن به این سیاست مبارزه نموده و بیشتر از حدی که هم اکنون نیروگاه اتمی وجود دارد به گسترش آنها نباید ادامه داد. برخلاف ادعای صالحی نظام حاکم در روسیه برای ساختن نیروگاه اتمی در بوشهر سالها این دست و آن دست نمود و بهائی بیشتر از ساخت حداقل دو نیروگاه را به مردم ایران تحمیل نمود و جای بسی تعجب است که این واقعیت آشکار را در کمال پرروئی سیاست مداران حاکم انکار می کنند و طبق روش "انشاء الله گربه است" آخوندی، سیاستهایی را اتخاذ می کنند که دودش به تمامی به چشم مردم ایران می رود!!

حزب رنجبران ایران در شرایطی که تصمیم گیرنده در ایران مثنی نوکران سرمایه هستند، گسترش نیروگاههای اتمی را مغایر با حفاظت از سلامتی مردم ایران و جهان دانسته و از تمامی نیروهای آزادی خواه می خواهد در این مورد در صاف واحدی قرار بگیرند و به مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی بپردازند.

حزب رنجبران ایران - ۱ آبان ۱۳۹۳



از هر دری، سخنی!

خلاصه ای از مقالاتی که در زیر می آید جهت دادن عطف توجه خواننده گان عزیز رنجبر به نظرات دیگران است و ضرورتاً این نظرات مواضع رسمی حزب نمی باشند. هیئت تحریریه

بزرگترین تظاهرات کارگری در بلژیک

بی بی سی: حدود یکصد هزار کارگر در پایتخت بلژیک در اعتراض به سیاستهای ریاضتی دولت تظاهرات کردند. پلیس بلژیک آنها را با گاز اشک آور و آب پرفشار پراکنده کرد.

این تظاهرات در مجموع مسالمت آمیز و آرام بود ولی در پایان آن معترضان چند دستگاه خودرو را آتش زدند.

کارگران معترض همچنین سنگ فرسهای خیابان را کردند و به سوی پلیس پرت کردند. گزارشهایی هم رسیده است درباره این که معترضان بمب دودزا هم به سوی پلیس پرت کرده اند.

دولت جدید بلژیک که از راست میانه رو است، بنا دارد برای اجرای سیاستهای تعیین شده اتحادیه اروپا سن بازنشستگی را افزایش دهد، دستمزدها را تثبیت کند و از خدمات عمومی بکاهد.

در اعتراض به این برنامه، اتحادیه های کارگری برای یک رشته اعتصاب و تظاهرات برنامه ریزی کرده اند.

تظاهرات روز پنجشنبه یکی از بزرگترین تظاهرات کارگری بلژیک پس از جنگ جهانی دوم بود.

برآورد شده است که دستکم یکصد هزار نفر در آن حضور داشته اند. کل شهر بروکسل یک میلیون و صد هزار نفر جمعیت دارد. کل جمعیت بلژیک هم حدود ۱۱ میلیون نفر است.

در خشونت هایی که در انتهای این تظاهرات رخ داد، دستکم ۱۴ نفر زخمی شده اند.

کارگران فولاد، کارگران بارانداز و آموزگاران از جمله تظاهرات کنندگان امروز بوده اند.

چارلز میشل، نخست وزیر بلژیک، گفت وگو با رهبران کارگری را آغاز کرده است.

این اتحادیه ها مخالف سیاست های ریاضتی دولت برای کاهش کسر بودجه هستند. (آسمان دیلی نیوز ۱۶/۸/۱۳۹۳)

یک فرد بومی در منطقه معدن گواتمالا بخاطر اعتراض علیه

کمپانی معدن کانادایی، شرکت طلا،

زنده به آتش کشیده شد.

توسط: تیمان سینگ، مرکز تحقیقات جهانی

۱۱ سپتامبر ۲۰۱۴

یک معترض گواتمالا ای پس از آنکه او جرئت به صحبت و اعتراض علیه

معدن طلای مارتین کرد مورد ضرب





و ششم قرار گرفت و سپس او را زنده به آتش کشیدند و او جان سپرد. صاحب این کمپانی شرکت کانادایی به نام "شرکت طلا" می باشد. این فرد عضو یک قبیله بومی در آن منطقه بود. بنا به گزارشها این فرد توسط افرادی قبل از پرتاب او، بر سر و بدن او بنزین ریختند و با یک کیریت کار او را به پایان رساندند.

این اولین جنجال نیست که به معدن مارتین سرایت کرده. هنگامیکه برای اولین بار ساختمان آن شروع شد، با اعتراضات متعددی از کشاورزان محلی روبرو شد.

در دسامبر ۲۰۰۴، یک گروه بومی از سیپاکاپا، محاصره ۴۲ روزه عبور کامیونهای گلامس که از سرزمین آنها به طرف معدن میرفتند، شروع شد اما، این محاصره زمانی به پایان رسید که بیش از ۱۲۰۰ سرباز و ۴۰۰ نیروی پولیس شروع به شلیک به سمت تظاهرکنندگان غیر مسلح کردند، که در نتیجه یک نفر دهقان بومی به نام راتول کاسترو بوسل کشته شد.

این مرگ اخیر بخشی از مبارزه طولانی ده ساله این مردمان بومی برای محافظت خود در مقابل این معدن و تأثیر آن بر محیط زیست این منطقه می باشد. داستانهای تکان دهنده ای در مورد ارباب، تهدید، تقسیم اجتماع آنها، خشونت، رشوه خواری و فساد مقامات محلی، تخریب و آلودگی منابع آب و از بین بردن درختان جنگل و اثرات بهداشتی وحشتناک آن، مانند بیماریهای سوء تغذیه و امراض پوستی گفته شده است.

این شرکت (مارتین) در حال اجرا، مانند اکسپلورادورا است که تابعه "شرکت طلا"، مستقر در ونکوور، کانادا می باشد. گاردین از آنها خواست که اظهار نظر کنند در مورد اتهامات در مورد اینکه تعدادی از کارگران این شرکت مسئول آتش زدن این فرد بومی بوده اند. و پاسخی از جانب مدیر ارتباطات این شرکت، کریستین مارک در یافت شده: این اتهام اشتباه محض است. شرکت طلا و شرکت تابع آن مونتانا اکسپلورادورا هیچ گونه خشونتی را نادیده نمیگیرد. ما به حق به کلیه افراد برای ابراز عقیده شان احترام می گذاریم. شرکت طلا و مونتانا اکسپلورادورا استانداردهای بین المللی را یعنی "اصول داوطلبانه در امنیت و حقوق بشر" را به رسمیت شناخته. این استانداردها شامل دستور العمل برای سیاستهای امنیتی هستند و نشان دهنده احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی می باشد. همه پرسنل امنیتی ما در باره "اصول داوطلبانه" آموزش دیده، هم چنانکه اعضای محلی پولیس گواتمالا و

ارتش این آموزشها را دیده اند. هنگامیکه در مورد دیگر اختلافات پرسیده شد، گاردین به وب سایتی هدایت شد جاییکه، "شما اسطوره های تکراری و شبیه هم را اسطوره های تکراری و مثل هم پیدا می کنید که بارها و بارها دروغ آنها آشکار شده." من فکر می کنم که مردم محلی گواتمالا به این دروغ ها باور ندارند.

یک فرد بومی در منطقه معدن گواتمالا بخاطر اعتراض علیه کمپانی معدن کانادایی، شرکت طلا، زنده به آتش کشیده شد.

درنظام استثمارگری و ستمگری سرمایه داری "به هرکجا که روی آسمان همین رنگ است که نمونه ی آن در کشتن بیش از ۳۴ کارگر معدن طلا که در دست سرمایه دارهای آمریکائی انگلیسی و آفریقای جنوبی می باشد به خاطر اعتراض به مزد ناچیزشان توسط پلیس آفریقای جنوبی به رگبار بسته شدند و دهها نفر نیز زخمی گشتند. کارگران در تمامی رشته های تولیدی با این سرسختی و قساوت سرمایه داران رو به رو هستند و بیش از ۳۰۰ سال

شرح	سال پایه 100	تربیب اهمیت	این خواتی	این - آزاد
سهم خوراکی	27.38	7,853,746	9,031,808	
سهم دخانیات	0.35	100,395	115,454	
سهم مسکن	32.82	9,414,169	10,826,294	
سهم کفش و پوشاک	4.94	1,417,002	1,629,552	
سهم اثاثه	5.13	1,471,502	1,692,227	
سهم بهداشت و درمان	6.98	2,002,160	2,302,484	
سهم حمل و نقل	9.87	2,831,135	3,255,805	
سهم ارتباطات	2.38	682,685	785,088	
سهم امور فرهنگی و تفریح	2.85	817,501	940,126	
سهم تحصیل	2.24	642,527	738,906	
سهم رستوران و هتل	1.86	533,527	613,556	
سهم کالاها و خدمات متفرقه	3.2	917,896	1,055,580	
سهم کل سبد خواران 4 نفره در یک ماه	100	28,684,244	32,986,880	

حاکمیت سرمایه داران نشان داده است که آنها به هیچ وجه حاضر به احترام به حقوق کارگران و زحمت کشان نبوده و جز سرنگونی آنها و ایجاد جهانی سوسیالیست راه دیگری در برابر کارگران جهان وجود ندارد. یا تن دادن به برده گی و یا بدست آوردن آزادی! چنین است آینده جهان و وقت انتخاب بیش از ۱۶۰ سال است که رسیده است و کارگران باید به پاخیزند. رنجبر]

هزینه زندگی ماهانه خانوار کارگری از مرز ۳ میلیون تومان گذشت

در شرایطی که قرار است در طول سال ۹۳ درآمد یک خانواده چهار نفره کارگری با احتساب مزد پایه، کمک هزینه مسکن، حق بن و حداکثر حق اولاد در حدود ۸۳۰ هزار تومان ثابت بماند، طبق تحقیقات میدانی یک تشکل صنفی کارگری حداقل هزینه های زندگی یک خانوار برای آبان ماه سال ۹۳ تا بیش از ۳ میلیون تومان برآورد شده است.

حداقل سبد هزینه خواران یک خانوار چهار نفره در یک ماه (آبان ۹۳)

نام	سبد درجهان (گرم)	سبد روزانه (ایران گرم)	سبد ماهانه فرد (کالری)	سبد ماهانه (تربیب اهمیت)	سبد به کالری در ماه	جمع هزینه ماهانه
نان	68	320	9,600	38.40	9,000	345,600
برنج	60	100	3,000	12.00	60,000	720,000
ماکارونی		20	6,000	2.40	24,000	57,600
حبوبات	60	33	1,000	4.00	41,813	167,332
سبزی و میوه		70	2,100	8.40	9,000	75,600
سویز	356	280	8,400	33.60	11,000	369,600
سایر سویز	356	280	8,400	33.60	9,792	329,011
سبزی	400	260	7,800	31.20	19,571	610,615
گوشت فرور	100	50	1,500	6.00	320,000	1,920,000
گوشت ماهی	50	25	750	3.00	94,000	282,000
گوشت مرغ	67	25	750	3.00	53,200	427,728
تخم مرغ	66	25	750	3.00	41,900	125,700
شیر	822	240	7,200	28.80	15,000	432,000
لبنیات	67	25	750	3.00	34,000	273,360
پاییز	33	8	250	1.00	115,000	460,000
گرم	8	8	250	1.00	240,000	240,000
یونان	40	40	1,200	4.80	185,000	888,000
قند و شکر	14	45	1,350	5.40	24,000	129,600
جمع						7,853,746

به گزارش خبرنگار اینلا، کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران اعلام کرد: بررسی های میدانی انجام شده توسط این نهاد کارگری نشان می دهد که برای آبان ماه سال جاری متوسط هزینه های یک خانوار چهار نفره بر اساس قیمت های دولتی و آزاد از حدود ۲ میلیون و ۸۶۸ هزار تومان تا ۳ میلیون ۲۹۸ هزار تومان در تغییر است. بر اساس داده هایی که از سوی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران در مورد برآورد هزینه های زندگی یک خانواده متوسط چهار نفره جمع آوری شده است؛ برای ماه آبان، مسکن و اقلام خوراکی به ترتیب با اختصاص دادن حدود ۳۲ و ۲۷ درصد از حجم سبد کل سبد در صدر اقلام ضروری خانواده های کارگری قرار دارند.

بر این اساس، در آبان سال ۹۳ خانواده های کارگری در ارزان ترین حالت باید از یکسو بیش از ۷۰۰ هزار تومان بابت اقلام خوراکی مورد نیاز خود هزینه کنند و از سوی مقابل همزمان حدود ۹۰۰ هزار تومان دیگر نیز بابت هزینه مسکن خود پرداخت کنند. سبد اقلام خوراکی که قیمت آبان ماه آن توسط کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران برآورد شده از ۱۹ قلم کالای اساسی نان و غلات، لبنیات، میوه و سبزیجات و چای، قند و شکر تشکیل شده است. در ادامه داده های تحقیق میدانی که توسط کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران انجام شده است استفاده از خدمات حمل و نقل، خدمات بهداشتی و درمان، خرید اثاثه و خرید کفش و پوشاک به ترتیب با ارزش های تقریبی ۲۸۰، ۲۰۰، ۱۴۷ و ۱۴۱ هزار تومان در اولویت های بعدی هزینه های آبان ماه خانواده های کارگری هستند.

افزایش هزینه ها به نسبت سه





ماهی اول سال

طبق محاسبات کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران ارزش ریالی سبد هزینه‌های زندگی یک خانواده متوسط کارگری در حالی برای ماه آبان تا مرز تقریبی ۳ میلیون تومان پیش رفته است که پیش از این براساس محاسبات کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری (یکی دیگر از تشکل‌های رسمی کارگری) تا پایان بهار ۹۳، ارزش هزینه سبد خانوار را تا مرز ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برآورد شده بود. (آسمان دیلی نیوز ۱۳۹۳/۸/۲۱)

رشد ۱۰۰ درصدی شیوع اعتیاد

بین کودکان زیر ۱۸ سال در ایران

مدیرکل تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر ضمن بیان پیشنهاداتی در زمینه اعتیاد برای تدوین برنامه ششم توسعه، دلایل افزایش نرخ شیوع مصرف مواد مخدر را تشریح کرد.

به گزارش ایسنا، در سلسله نشست تدوین برنامه ششم توسعه، حمید صرامی با بیان اینکه در تحقیقات متفاوت از مردم بحث مواد مخدر دغدغه بیش از ۹۰ درصد مردم است، گفت: مردم متوجه شدند این بحث چه مشکلاتی را برای کشور و جامعه ایجاد کرده است. صرامی در ادامه اظهار کرد: از طرفی یک سلسله واقعیتهایی را در جامعه ایران مشاهده می‌کنیم و با نسلی با مولفه‌های مدرگرایی، تنوع طلبی، کنجکاوی، کم تحرکی، بعضا غیر فلسفی و با نوعی لذت جویی افراطی و تا حدودی فردگرایی مواجه هستیم.

صرامی در مورد شیوع شناسی که در سال ۸۱ و ۹۰ صورت گرفته اظهار کرد: طبق نتایج این شیوع شناسی رشد ۱۰۰ درصدی شیوع اعتیاد بین کودکان زیر ۱۸ سال را داشتیم و در جمعیت عمومی ما نیز سه درصد از معتادان بین ۱۵ تا ۱۹ سال هستند. وی افزود: در حال حاضر شیوع شناسی جدیدی را برای سال ۹۳ که از هفته قبل شروع شده را در پی داریم نتایج آن بعد از پایان اعلام می‌شود. (آسمان دیلی نیوز) [توکر نظام حاکم در ایران شیوع مواد مخدر را به تنوع طلبی و مدرگرایی و لذت جوئی و غیره منتسب می‌کند و نه به ایجاد سرزمین خفقان گرفته مذهبی، بی کاری، ممانعت از هرگونه لذت جوئی و از همه مهمتر رواج دادن مواد مخدر که به آسانی در دسترس همه قرار داده شده و میلیاردها پول از این طریق به جیب حاکمان می‌ریزد. دیریا زود این واقعیتهای به کاملی در اثر قیام کارگران و

زحمت کشتان عیان خواهند شد. رنجبر]

ماجرای رشوه ۳۲ میلیاردی یک وزارتخانه چیست؟

نادر قاضی پور نماینده ارومیه در مجلس شورای اسلامی در خصوص تاکید امضا کنندگان استیضاح وزیر مربوطه برای اعلام وصول طرح، گفت: آقای وزیر باید بگوید که چرا ۳۲ میلیارد تومان به مشاور حقوقی وزارتخانه رشوه داده است.

وی در ادامه به ایسکانیوز گفت: مسئول حقوقی این وزارتخانه به یک وکیل ۳۲ میلیارد تومان پول می‌دهد که دادگاه را اقناع کند تا جلوی خصوصی سازی شرکت های زیرمجموعه ی این وزارتخانه را بگیرد و این شرکت ها را به افراد خودشان واگذار کنند. این نماینده مجلس اذعان داشت: تاکید من برای استیضاح به خاطر اینست که این وزارتخانه عدالت را رعایت نمی‌کند. تا کنون نیز هر وعده و تعهدی داده، عمل نکرده است.

قاضی پور در پایان اظهار داشت: ما اصرار زیادی به استیضاح داریم. اما هیات رئیسه به خاطر منیت و زورگویی استیضاح را اعلام وصول نمی‌کند. (آسمان دیلی نیوز)

[به قول معروف : دزدقانون دزدی از مجرای قانون می‌کند از جمله در زمینه عدالت و احترام به قانون!!]

سکونت ۷۲ درصدی جمعیت

کشور در شهرها/ ۱۰ میلیون نفر

در بافت فرسوده زندگی می‌کنند

مهر: معاون وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه امروزه ۷۲ درصد از جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کنند، گفت: ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ایران در بافت فرسوده سکونت دارند.

سیدمحمد پژمان در مراسم روز جهانی اسکان بشر با اشاره به اینکه امروزه بالغ بر ۶۰ درصد جمعیت جهان در شهرها سکونت دارند، گفت: مهمترین مرکز فعالیت های اقتصادی، علمی، فرهنگی و سیاسی در شهرها است و همه فعالیت‌های مورد نیاز جوامع بشری در شهرها انجام می‌گیرد.

او با بیان اینکه در چهار دهه، ۳۰ درصد از جمعیت ایران در شهرها و ۷۰ درصد در روستاها زندگی می‌کردند، گفت: در حال حاضر ۲۸ درصد از جمعیت کشور در روستاها و ۷۲ درصد در شهرها سکونت دارند.

رئیس سازمان ملی زمین و مسکن گفت: باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود تا انتظارات از جوامع شهری در شرایط مناسب به اجرا برسد و از ایجاد سکونت‌گاه‌های غیررسمی جلوگیری شود.

معاون وزیر راه و شهرسازی گفت: در حال حاضر ۱۰ میلیون نفر در بافت فرسوده زندگی می‌کنند که ۲,۸ میلیون خانوار در ۲,۶ میلیون واحد مسکونی یا سکونت‌گاه‌های غیررسمی ساکن هستند.

در این مراسم از سند ملی بازآفرینی پایدار محدوده‌ها و محله‌های هدف برنامه‌های احیاء، بهسازی و نوسازی شهری رونمایی شد. (۱۳۹۳/۱۰/۱۴ پیک ایران)

نماینده مجلس: ۳۰ درصد جوانان

یزد معتادند

فرارو: نماینده مردم اردکان در مجلس امروز در صحن علنی مجلس به بیان برخی از مسائل و مشکلات استان یزد از جمله مسئله کم آبی، افزایش بیماریهایی نظیر سرطان، اعتیاد جوانان به سیگار و قلیان و ... پرداخت.

محمدرضا تابش در بخشی از سخنان خود با بیان اینکه محور توسعه پایدار، انسان توسعه یافته و سالم است، عنوان کرد: متاسفم امروز اعلام کنم در استان یزد ۳۰ درصد مردم استان دیابت شناخته شده دارند یا در آستانه ابتلا به این بیماری هستند.

تابش همچنین بیان کرد: زنان استان یزد رتبه اول در کشور از نظر ابتلا به انواع سرطانها را دارند و مردان یزد نیز از نظر ابتلا به سرطان در رتبه سوم کشوری هستند. وی افزود: در استان یزد در مجموع ۳۰ درصد جوانان به مصرف مواد دخانی سیگار و قلیان معتاد هستند.

نماینده مردم اردکان در مجلس عنوان کرد: ۴۰ درصد مرگهای استان یزد نیز ناشی از امراض قلبی و عروقی، ۱۳ درصد ناشی از سرطانها و ۱۳ درصد ناشی از حوادث ترافیکی است.

وی تاکید کرد: این آمار کار جدی و برنامه ریزی شده ادارات کل ذیربط اعم از بهداشت و درمان، محیط زیست، جهاد کشاورزی، ورزش و جوانان، صدا و سیما، شهرداریها، صنعت و معدن و تجارت و ارشاد اسلامی را می‌طلبد تا با اجرای برنامه های علمی و آموزشهای لازم تحت نظر استانداری، هم از ادامه این روند خطرناک که هویت و اعتبار استان را مخدوش خواهد کرد، جلوگیری شود و هم سلامت و امنیت روحی و



روانی مردم تامین شود. (آسمان دلی نیوز ۱۳۹۳/۷/۲۷)

وجود ۳۰ میلیون ایرانی کم سواد و بیسواد

رئیس سازمان نهضت سوادآموزی کشور با بیان اینکه در دانش سوادآموزی با مشکل رو بهرو نیستیم و تنها اطلاع‌رسانی ناکافی موجب آمار بالای بیسواد شده گفت: باید مسئله سوادآموزی را فراتر از یک نگاه آموزشی دنبال کرد.

به گزارش ایسنا، علی باقرزاده با اشاره به رتبه نخست ایران در رشد باسوادی در میان کشورهای منطقه، خاطر نشان کرد: ایران از نظر افراد باقی مانده بی‌سواد و مدیریت آنان از نظر سرعتی، پایین‌ترین رتبه منطقه را داراست.

وی با بیان اینکه باید مسئله سوادآموزی را فراتر از یک نگاه آموزشی دنبال کرد، گفت: هم‌اینک ۳۰ میلیون نفر در کشور یا بی‌سواد هستند یا تحصیلات مقطع ابتدایی دارند. این مقام مسئول اضافه کرد: تمام کشورهایی که توانسته‌اند در موضوعی واحد به توسعه برسند، اراده جمعی در رشد آنها دخیل بوده که امید است اراده جمعی برای این موضوع نیز در کشور ما شکل بگیرد.

باقرزاده با بیان اینکه در سال‌های گذشته جشن پایان بی‌سوادی در ۱۸ هزار روستا و بخش‌های کشور اعلام شد، افزود: این در حالی بود که سرشماری سال ۹۰، همان آمار سال ۸۵ را نشان می‌داد و اینکه تغییری در شمار بیسوادان اتفاق نیفتاده است.

هیچ ناشری برای بزرگسالان کم سواد کتاب چاپ نمی‌کند. وی با بیان اینکه هیچ ناشری در کشور ما برای بزرگسالانی که کم سواد هستند کتاب چاپ نمی‌کند که این خود یک معضل است، تصریح کرد: جزء محدود دستگاه‌هایی هستیم که تنها از اعتبار دولتی استفاده می‌کنیم و تاکنون از هیچ ارگان و دستگاهی تقاضای کمک مالی نکرده‌ایم.

۹۳ درصد از سرپرستان خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد بی‌سواد مطلق هستند رئیس سازمان نهضت‌آموزی کشور با اشاره به اینکه ۹۳ درصد از سرپرستان خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد بی‌سواد مطلق هستند، بیان کرد: ۸۰ هزار نفر از افراد با میانگین سنی ۱۰ تا ۴۹ سال در استان فارس، بی‌سواد هستند که برای باسواد شدن هر یک از آنها، ۶۵۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است.

سیدمحمد احمدی، استاندار فارس نیز در

دیدار با معاون وزیر آموزش و پرورش در محل استانداری فارس گفت: باید الگویی مناسب برای مبارزه با بی‌سوادی ارائه و برای اجرای آن تلاش کرد.

وی با بیان اینکه شاخص توسعه هر کشوری داشتن مردمی آگاه و باسواد است، گفت: وجود آمار بالای بی‌سوادی، در توسعه کشور رشد منفی دارد.

[در این مختصر مطالب آورده شده دربالا ببینید ما با چه اوضاعی در زیر حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی گرفتار شده ایم: ۳۰ میلیون ایرانی کم سواد و بی سواد؛ معنادی ۳۰٪ جوانان یزد؛ زندگی ۱۰ میلیون خانوار در بافت فرسوده؛ رشوه دهی ۳۲ میلیارد تومانی توسط وزیر؛ رشد صد درصدی شیوع اعتیاد در بین کودکان زیر ۱۸ سال، که فقط جزء بسیار کوچکی از فلاکتهای عظیمی هستند که رژیم جمهوری اسلامی برای مردم فقیر و زحمت کش ایران به بار آورده است. آیا چنین نظامی مستحق سرنگونی بلاواسطه نیست تا مردم از شر آن رهایی یابند؟ - رنجبر]



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaronline

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

در جبهه جهانی کمونیستی... بقیه از صفحه آخر

کننده به نام حزب تشکر نمود. ویدیوی ۲۰ سال حرکت زیر آتش را نشان داد؛ از جمله مبارزان حزب از روجاوا تبریک به این جشن فرستادند. آنها گفتند: «در روجاوا نظام جدیدی مستقر شده است. به این دلیل ما به مثابه مبارزان ح.ک.م.ل. نمی توانستیم سکوت کنیم. لذا، ما مشترکا با مبارزان ی.پ.گ. علیه نیروهای ارتجاعی می جنگیم. ما از همه خواستیم در این مبارزه شرکت کنند.

درانقلاب روجاوا، مقاومت قهرمانانه و مبارزه ح.ک.م.ل. و افراد جان باخته آن نظیر صبحی نجات آگیرناصلی (پاراماز کیزیلباش)، که جانش را در هفته های گذشته در دفاع از انقلاب روجاوا در کوبانی از دست داد، به بخش مرکزی کل این جشن میدل شد. بسیاری از اقوام جان باخته گان ح.ک.م.ل. شرکت کرده بودند، از جمله خواهر صبحی نجات آگیرناصلی و پدر سرکان توزون. وی تشکر کرد از شنونده گان در صحبتش و گفت: «من به مقاومت قهرمانانه کوبانی سرتعظیم فرودمی آورم. سرکان انسان خوب و شجاعی بود، رفیقی که جانش را بدون تردید تقدیم نمود. من به او افتخار می کنم.» به علاوه گروههای مختلف موسیقی به تکمیل برنامه پرداختند، کامیر سایگولی مسئول اتحادیه لیتر- ایش سخنرانی نمود. فیگن یوکسداق صدر ه.د.پ. و یوکسل کوچ صدر ن.ا.و. - د.م. تبریک گفتند به مبارزه ح.ک.م.ل. در روجاوا.

ح.ک.ت.م.ل. و م.ک.پ. و هم چنین کمیته مرکزی پ.ک.ک. تبریک فرستادند و در آن روی شرکت در مبارزه مشترک با ح.ک.م.ل. در جنبش انقلابی ترکیه به مثابه «متحد عمده» تاکید کردند.

چندین نماینده بین المللی در این جشن شرکت کردند و به مبارزات ح.ک.م.ل. مختصرا به زبان خودشان تبریک گفتند. به علاوه سازمانهای زیادیگری که حضور نداشتند به این مناسبت کتبا تبریک فرستادند. از کروآسی، اسپانیا، لبنان، آفریقای جنوبی، نپال، آلمان، یوگوسلاوی، بلغارستان، سریلانکا، فرانسه، ایران، مراکش، هلند و افغانستان که خوانده شدند.

این جشن نیرو و قدرت انقلابی بزرگی را ایجاد نمود. این خصلت حزب ما را در ۲۰ سال تاریخ اش به مثابه حزبی مارکسیست - لنینیست معرفی نمود.

تشکل کمونیستی بدون شرکت و عضویت در جنبش جهانی کمونیستی مرغی بی بال و پر است!



شکاف عظیم نابرابر ... بقیه از
صفحه آخر

تبریک ارسالی حزب رنجبران ایران به این مناسبت

به حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست ترکیه/ کردستان شمالی رفقای عزیز سلام گرم ما را بپذیرید بیستمین سالگرد تشکیل حزب تان را به شما صمیمانه تبریک می گوئیم و هدایت و پیشبرد امر مبارزات جاری طبقه کارگر و زحمت کشان ترکیه، تحقق انقلاب و رساندن آن به پیروزی را برایتان آرزو مندیم. مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر و زحمت کشان ترکیه علیه تجاوزات نظام سرمایه داری ترکیه و امپریالیسم به حقوق آنان در سالهای اخیر و اعلام همبستگی آنان با کارگران مبارز ایران مسیر انقلابی روشنی است که ما کمونیستها باید به طور محکمی در این مسیر عملی مشترک گام برداریم. وحدت اصولی کمونیستهای ترکیه در یک حزب می تواند در شرایط کنونی ضربه ی مهلکی به دخالتهای شیوه تفکر خرده - بورژوائی به مثابه چماق دست بورژوازی در ایجاد تفرقه در صف واحد کمونیستها باشد. امیدواریم در این راه گامهای جدی موفقی بردارید تا نشان دهید پرچم « کارگران همه کشورها متحد شوید!» را در انطباق با کشور خودتان محکم به دست گرفته اید. به علاوه باتوجه به این که مداخلات امپریالیستها و مرتجعان حاکم در امور کشورهای خاورمیانه حتی یک روز قطع نمی شود، متقابلاً نیروهای کمونیست انقلابی نیز در پیشبرد انقلاب در این منطقه باید بیش از پیش امر «انترناسیونالیسم پرولتری» را محکم به دست گرفته و به یک دیگر کمک متقابلی که از نظر فکری و عملی بسیار ضروری می باشند، برسانند که بدون آن پیروزی انقلاب در هر کشور به تنهایی بسیار مشکل خواهد بود.

لطفاً در صورت امکان محل برگزاری مراسم را به ما اطلاع دهید تا شاید بتوانیم در این روز فرخنده در آن شرکت کنیم.

با سلامهای گرم رفیقانه

دفتر بین المللی حزب رنجبران ایران -
۲۰۱۴/۹/۱۳

ranjbaran.info@yahoo.com



نیمی از آمریکائی ها فقیر یا نزدیک به فقرند: گزارش اداره آمار آمریکا

توسط آندره دایمون، ۲۲ اکتبر ۲۰۱۴،
تارنمای جهان سوسیالیستی
طبق آمار و ارقام هفته گذشته توسط اداره آمار ایالات متحده، درآمد ۴۷ درصد از مردم آمریکا زیر دو برابر نرخ رسمی خط فقر قرار دارد، که نیمی از کشور را یا در بخش فقیر و یا نزدیک به فقیر قرار داده است.

این ارقام بر اساس مکمل سنجش فقر اداره آمار (اس پی ام) است که هزینه های زندگی در مناطق مختلف و جابه جایی دولتی را در محاسبات نرخ فقر نیز در نظر می گیرد. بر اساس این محاسبه، ۴۸،۷ میلیون آمریکائی در فقر بسر می برند، ۳ میلیون بالا تر از ارقام سرشماری رسمی منتشر شده در ماه گذشته وجود دارد. نرخ فقر در ایالات متحده، طبق گزارش اس پی ام (مکمل سنجش فقر اداره آمار)، ۱۵،۵ درصد بوده است.

[نزدیک به نیمی از جمعیت آمریکا: ۵۰٪ زیر خط فقر با ۳۱٪ خط فقر می شوند: ۹٪؛ ۴۶٪؛ ۷٪ کمی بالای فقر و ۱۸٪ بیش از خط فقر - به نقل از

[wsws.org

انتشار این ارقام و هم چنین ارقام انتشار یافته رسمی آمار فقر در ماه گذشته با سکوت محض در رسانه ها استقبال شده است، علی رغم این واقعیت که ایالات متحده فقط دو هفته با انتخابات میان دوره ای فاصله دارد. هنگامی که با هر سؤال عمده اجتماعی و سیاسی، مسائل مربوط به فقر و نابرابری اجتماعی به طور کامل از بحث و گفتگو در انتخابات حذف شده و توسط هر دو حزب کاسب نادیده گرفته شده است.

در امتداد انتشار این آمار و ارقام یک سری گزارشات و تحقیقات مستند نشان دهنده رشد نابرابری های اجتماعی و اقتصادی در ایالات متحده می باشد. هفته گذشته، بانک کردیت سوئیس گزارش داد که یک درصد از جمعیت جهان، تقریباً نیمی از تمام ثروتها را کنترل می کنند و ثروتمندان فوق العاده و کلان ایالات متحده آمریکا تعدادشان نزدیک به ده برابر بیشتر از هر کشور دیگر در جهانند. کریستوفر وایمر، مدیر مشترک مرکز مربوط به فقر و سیاستهای اجتماعی در دانشگاه کلمبیا طی یک مصاحبه تلفنی در

روز سه شنبه گفت: آمار و ارقام سرشماری شده « نشان می دهد که فقر هنوز هم یک مشکل عمده و حل نشدنی در ایالات متحده می باشد. »

او خاطرنشان کرد که اس پی ام با فقر مجازی کمی بالا تر از رقم رسمی فقر شروع می کند و سپس آن را بر اساس هزینه های محلی و قیمت مایحتاج زندگی تنظیم می کند.

در نتیجه، هر دو نرخ فقر و تعداد مردم فقیر کمی بالا تر از شکل رسمی ارائه شده در مورد فقر نشان داده می شود. اما، بزرگ ترین تفاوت در این است که مکمل سنجش پیچیده تری نشان می دهد که تا چه حد یک بخش بسیار گسترده تری از جمعیت با سختی برای امرار معاش تلاش می کند. دکتر کریستوفر وایمر اظهار داشت، « از آن جا که مکمل سنجش فقر در آمد غیر اختیاری (شاید به معنی نا خواسته) کاسته می شود، شما جمعیت بیشتری از مردم را ملاحظه خواهید کرد که ناچاراً به فقر روی آوردند. »

فقر مجازی فقر به عنوان « سه برابر حد اقل هزینه خوراک روزانه مواد غذایی در سال ۱۹۶۳ محاسبه می شود»، که با تورم تنظیم شده است. در آن محاسبه، خط فقر مجاز برای یک فرد بالغ که تنها زندگی می کند، برابر با ۸۸۸،۱۱ دلار است و یک فرد بالغ با دو فرزند، ۱۸،۷۶۹ دلار است، که هر دو ارقام مطلقاً نا چیز و کم می باشند.

از آن جا که اس پی ام تفاوتهای منطقه ای در هزینه های زندگی را به حساب می آورد، بهتر است شیوع واقعی فقر در ایالات مختلف، با هزینه های زندگی بالا را نیز منعکس کند، مثل ایالت کالیفرنیا و شهرهایی مانند نیویورک.

دکتر کریستوفر وایمر اظهار می دارد، « مکمل سنجش فقر منعکس کننده واقعیتی است که هزینه زندگی در بسیاری از مناطق عمده از شهرهای بزرگ بسیار بالا تر است. » « این مناطق نیز تمایل به تراکم جمعیت بالاتری دارند، به طوری که بالاخره به بسیاری از مردم سرایت می کند. »

بر اساس آخرین ارقام سرشماری شده، تقریباً از هر چهار نفر یک نفر در ایالت کالیفرنیا زیر خط فقر زندگی می کند. با استفاده از سنجش مکملی (اضافه شده)، نرخ فقر در کالیفرنیا در مقایسه با ارقام ۱۶ در



صدی رسمی فقر، ۲۳،۴ در صد می باشد.

دکتر کریستوفر وایمر خاطر نشان کرد که او و محققان همکار در دانشگاه کولومبیا روشی را مشابه روش بکار برده شده توسط مکمل سنجش فقر اداره آمار (اس پی ام) استفاده کردند. و اداره آمار این روش را به منظور تحقیق در مورد مشکلات اقتصادی در میان یک نمونه نمایانگر از ساکنان شهر نیویورک استفاده کرده است.

آنها به این نتیجه رسیدند که نزدیک به یک چهارم از ساکنان این شهر در فقر بسر می برند - ۲۳ درصد فقر در مقایسه با سنجش رسمی حدود ۲۱ درصدی. ۵۵ درصد از ساکنان شهر نیویورک درآمدی برابر با دو برابر زیر خط فقر دارند.

۳۷ درصد از ساکنان شهر نیویورک تحت تأثیر آنچه این بررسی که به نام « مضیقه و تهیدستی مادی سخت » می باشد، قرار دارند، از جمله « زندگی در پناهگاه، زندگی در مسکن دیگران، یا با مشکل قطع آب و برق ». این گزارش می افزاید، « اگر ما تعداد ساکنان شهر نیویورک را که (اگر نه واقعاً شدید، فلاکت بار و با مشقت مادی) به طور متوسط رنج می برند، تعداد، به ۶ نفر در هر ۱۰ نفر نیویورکی صعود می کند. » براساس این یافته ها، این گزارش به این نتیجه می رسد، « در سال ۲۰۱۲، نزدیک به دو سوم ساکنان شهر نیویورک برای امرار معاش سخت در تلاش همه جانبه بودند. » ثروت فوق العاده غنی، در عین حال، هم چنان افزایش می یابد، با ارزش خالص ۴۰۰ نفر (سنجش فوربز) از ثروتمندترین افراد در ایالات متحده ۱۳ درصد در سال گذشته افزایش یافت. ۵۲ نفر از این ۴۰۰ نفر اعضای فوربز در شهر نیویورک اقامت داشتند، که بیش از دو برابر تعداد نفراتی است که در هر شهر ساکنند.

دکتر وایمر متذکر شد که این گزارش آمار اس پی ام نشان دهنده نقشی است که دولت در برنامه های ضد فقر در حفظ بخش بزرگی از جمعیت از فقر و فاقه ایفا کرده است. او گفت، به حدی که فقر در دهه های گذشته کاهش یافته است، و « این به خاطر درآمد بازار نبوده، بلکه این کاهش به خاطر سیاستهای دولت در برنامه هایی مانند کوپن رایگان مواد غذایی و حق بیمه بیکاری دولت بوده. »

براساس گزارش آمار اس پی ام، در سال ۲۰۱۲، کوپن رایگان غذا فقط ۲ درصد از جمعیت را از فقر و فلاکت نجات داده در حالی که، حق بیمه بیکاری فقط یک درصد از

جمعیت را از فقر و فلاکت نجات داده. ارقام سرشماری شده کاهش را در هر دو از این برنامه ها در سال ۲۰۱۳ منعکس می کند. با پایان مزایای بیکاری گسترده دولت فدرال برای بیکاران طولانی مدت در آخر سال گذشته همراه با کاهش های افزوده به مواد غذایی، تعداد افراد فلاکت زده در اثر این کاهش ها (برنامه های حیاتی ضد فقر می باشند) تنها افزایش خواهد یافت.

کاهش در این برنامه ها با حمایت و پشتیبانی هر دو حزب دمکرات و جمهوری خواه صورت گرفته است. بودجه پیشنهادی سال ۲۰۱۵ دولت اوباما، به عنوان مثال، خواستار کاهش بودجه ای برابر با ۵ درصد از وزارت بهداشت و خدمات انسانی است که قرار است بودجه برنامه جبران عقب افتادگی کودکان را تأمین می کند، و وزارت کشاورزی که برنامه کوپن رایگان غذایی را اداره می کند.

فقیران در ایران فقیرتر شده و

ثروتمندان ثروتمندتر می شوند!

[جالب اینجا است که ربیعی وزیر کار و تعاون با غیغب بالانداختن می گوید که وضع ثروتمندان ایرانی را می توان هم سنگ با ثروتمندان آمریکا دانست - رجوع شود به مقاله "به عمل کاربرآید به سخندانی نیست!" در همین شماره رنجبر - اما در زیر گوشه ای از وضعیت مردم در ایران را از نظر خواننده گان گرامی می گذرانیم - رنجبر]

با توجه به نکات ذکر شده در مورد فقر و فلاکت زدگی در یکی از ثروتمندترین کشورهای سرمایه داری با انحصارات چند ملیتی اش مثل ایالات متحده، نگاهی هم به نظام جمهوری اسلامی سرمایه داری (حامی سرمایه داران داخلی و خارجی) که توده های کار و زحمت در آن با فقر قرون وسطایی دست و پنجه نرم می کنند نیز بیاندازیم. این رژیم در تمام طول ۳۶ سال حاکمیت نکبت بارش سیاستهای انحصارات امپریالیستی و سرمایه داران غارتگر جهانی، از جمله بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را بر ضد مردم ستم دیده ما به ویژه زحمتکشان پیاده کرده است، که ذاتی نظام سرمایه داریست.

غارت بی حد و حصر سرمایه داران داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ابعاد هیولای فقر و گرسنگی را بدان جا رسانیده که همه روزه در سراسر ایران کودکان "کار" در خیابانها و معابر عمومی، تن فروشی به خاطر رهایی از گرسنگی، بی خانمانهای بی

سرپناه که شب تا صبح را در کارتن ها بسر می برند، گسترش فزاینده فحشا، دانشجویان فارغ التحصیل بی کار، بی کاری مزمن در میان کارگران و کارمندان زحمتکش که با همسر و فرزندان گرسنه شان با اسباب و اثاثیه محقرشان روی به سمت پارکها و محله های عمومی می آورند، تورم بیش از ۳۰ درصدی (روزنامه مشرق، ۳۰ اکتبر ۲۰۱۴). به طور نمونه داستان کارگر بی کاری که پس از مشاهده فرزندان گرسنه اش که از داخل سطل زباله در محله، پوست خربزه را خارج کرده و گاز می زدند، نخست تمام خانواده بی گناهی را کشت و بعد خود را به دار آویخت. این فقط یک نمونه بسیار غم انگیز است که همه روزه در سرزمین ما تحت حاکمیت نظام غارتگر و فاسد جمهوری اسلامی لرزه بر پیکر تمامی انسانهای آزادی خواه و آگاه می اندازد. بنا به گفته امام جمعه «زهک» در سیستان و بلوچستان «نود درصدشان زیر خط فقر زندگی می کنند» و حقوق ماهانه بسیاری از خانواده ها رقم شرم آور «۶۵ هزار تومان» در ماه است. (به نقل از سایت اینترنتی اشتراک)

حال نگاهی به ثروتهای نجومی این آقا ها و آقازاده ها در طول ۳۶ سال گذشته زیر نام « عدل اسلامی » که ثروتهای افسانه ای و زندگی متفاوتی را به دست آوردند که حتی تصور آن برای سایر مردم ممکن نیست، بیاندازیم و ببینیم که درست به دلیل این غارتها است که اکثریت عظیم جامعه ما را به فقر و فلاکت کشانده اند.

پایگاه اینترنتی «سلام نو» روز ۸ دی ماه ۱۳۹۲ به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی گفت: « متأسفانه طی یک دهه اخیر فساد های مالی متعددی در بدنه اجرائی کشور رخ داد که در طول تاریخ ایران بی سابقه بود. » در چنین فضایی است که معلوم می شود ولی فقیه جمهوری اسلامی تحت پوشش بنیادهای وابسته به خود ۹۲ میلیارد دلار را به جیب زده است. چندی بعد به خاطر شدت تضادهای بین دزدهای حاکم، ماجرای حیرت انگیز سوء استفاده های میلیاردی از صندوق سازمان تأمین اجتماعی که مستقیماً به کارگران تعلق داشت افشاء می شود. بعد، «زمین خواری» لاریجانی ها و سپس دزدی دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری بایک زنجانی و مافیای دولتی ای که از وی حمایت می کردند افشاء گردید. در این میان روشن شد که وزیر کابینه احمدی نژاد به علاوه وزرای نفت و اطلاعات پشتیبان ایشان بودند. به این ترتیب غارت



«بیت المال» مقابل چشمان مردم افشا شد. البته این غارتها و دزدی ها فقط به داخل کشور محدود نیست. پای این رژیم در اقتضاح مالی ای که ارزش بخشی از آن تا ۱۰۷ میلیارد دلار تخمین زده شده در کشور ترکیه گیر کرده به طوری که یکی از بزرگترین رسوایی ها برای هر دو مقامات ترکیه و برای جمهوری قرون وسطایی اسلامی به بار آورده است. حال می بینیم که در کشور «امام زمان» آب از آب تکان نمی خورد و این گرگهای درنده جمهوری اسلامی هم چنان در مسند وزارت و کرسی مجلس باقی مانده اند. این فقط چند نمونه بسیار کوچکی از حیف و میل و غارت این گرگ صفتان مقامات جمهوری اسلامی سرمایه داریست که در طول ۳۶ سال حاکمیت نکبت بارشان اکثریت عظیم مردم کشور ما را که همه روزه با چهره کریه فقر دست به گریبان ساخته اند و با بی شرمی هنوز مشغول پر کردن جیب های خود و آقازاده هایشان می باشند. گرچه آمارها در ایران دقت کافی را ندارند و وضعیت خرابتر از ارقامی است که گاهی می آید ولی باید به وزیرکار تبریک گفت که خامنه ای از بیل گیت هم ثروتمندتر شده و او وظیفه داشت واقعیت را درست بنویسد که ایران از آمریکا که شیطان بزرگ نامیده می شد جلو زده و شیطان تر شده است!! توجه به آنها تاحدی اوضاع را عیان می سازد:

فقرا و ثروتمندان ایرانی سالی

چقدر هزینه می کنند

بی بی سی: فقیرترین و ثروتمندترین های ایران چقدر در سال هزینه می کنند؟ این پرسشی است که پاسخ آن در گزارش مفصل بانک مرکزی ایران در باره بودجه خانوارهای شهری در سال گذشته خورشیدی یافت می شود.

در حالی که فقیرترین گروه شهرنشین (دهک اول) در طول سال گذشته شش میلیون و ۴۴۲ هزار تومان برای زندگی خود خرج کرده، ثروتمندترین گروه شهرنشین (دهک دهم) ۸۷ میلیون و ۷۱۱ هزار تومان را مصرف رسانده است.

معنی این ارقام این است که در سال ۹۲، ثروتمندان ایرانی حدود ۱۴ برابر فقرا برای خود خرج کرده اند.

بنابر آمارهای منتشر شده بانک مرکزی ایران، دهک های دوم تا پنجم کمتر از بیست میلیون تومان بابت زندگی خود هزینه کرده اند. این در حالی است که دهک ششم و هفتم کمتر از ۳۰ میلیون تومان هزینه داشته اند.

بر اساس گزارش بانک مرکزی ایران، دهک نهم که در ردیف ثروتمندان قرار دارند بیشتر از ۴۵ میلیون تومان صرف گذران زندگی خود کرد.

این در حالی است که دهک دهم که ثروتمندترین گروه ایرانیان را تشکیل می دهد، حدود دوبرابر دهک نهم یعنی ۸۸ میلیون تومان صرف زندگی یک ساله کرده اند. یعنی فاصله طبقاتی هزینه های سالانه ثروتمندترین بخش ایران با یک پله پائین تر از خودش تقریباً دو برابر است.

البته میانگین هزینه های سالانه یک خانوار ایرانی متوسط یعنی خانوارهای بین دهک های ششم و هفتم، ۲۸ میلیون و ۴۴۶ هزار تومان است.

عمده ترین هزینه خانوارهای

ایرانی

عمده هزینه خانوارهای ایرانی، مخارج خوراکی و مسکن، آب و برق و گاز می شود. در حالی که هزینه متوسط خوراک فقیرترین خانوار ایرانی یک میلیون و ۹۵۱ هزار تومان است، ثروتمندترین خانوارهای ایرانی ۱۶ میلیون و ۵۱۵ هزار تومان را صرف هزینه خوراک می کنند.

هزینه مسکن، آب، برق و گاز یک خانوار فقیر به طور متوسط کمتر از سه میلیون تومان است یعنی خانوارهای فقیر نیمی از هزینه سالانه خود را صرف مسکن، آب و برق و گاز می کنند در حالی که هزینه متوسط ثروتمندترین های ایران برای این بخش ها ۳۳ میلیون و ۱۸۱ هزار تومان است. این یعنی هزینه مسکن، آب، برق و گاز ثروتمندان حدود یک سوم هزینه سالانه خانوارهای آنها را تشکیل می دهد.

متوسط هزینه فقیرترین و

ثروتمندترین خانوارهای ایران در

سال ۹۲ (به تومان)

فقیرترین خانوارهای ایرانی سال گذشته خورشیدی، ۳۰۳ هزار تومان صرف بهداشت و درمان خود کرده اند در حالی که ثروتمندترین خانوارهای ایرانی چهار میلیون و ۸۹۷ هزار تومان خرج بهداشت و درمان خود کرده اند که حدود شانزده برابر خانوارهای فقیر است.

هزینه تحصیل فقیرترین خانوارهای ایرانی سال گذشته تنها کمی بیش از ۳۶ هزار تومان بوده در حالی که هزینه تحصیل خانوارهای ثروتمند در همین سال یک میلیون و ۴۵۸ هزار تومان بوده است.

در سال گذشته خورشیدی خانوارهای فقیر برای پوشاک و کفش خود تنها ۱۲۶ هزار

تومان هزینه کردند در حالی که خانوارهای ثروتمند در همین مدت چهار میلیون و ۲۴۸ هزار تومان، یعنی کمی کمتر از چهل برابر این مبلغ برای پوشاک و کفش خود خرج کرده اند. هزینه حمل و نقل فقیرترین خانوارهای ایرانی تنها ۲۳۵ هزار تومان بوده در حالی که ثروتمندترین خانوارهای ایرانی ده میلیون و ۶۲۷ هزار تومان برای حمل و نقل هزینه کرده اند.

آمارهای بانک مرکزی ایران نشان می دهد که از دهک اول که فقیرترین خانوارهای ایرانی هستند تا دهک دهم که ثروتمندترین خانوارهای ایرانی را تشکیل می دهند هزینه زندگی آنها دستکم تا دهک هفتم حتی از میانگین هزینه یک خانوار ایرانی کمتر است. یعنی حتی هزینه خانواری که در دهک هفتم قرار دارد نیز از میانگین ۲۸ میلیون تومانی هزینه خانوارهای ایرانی کمتر است. به این ترتیب تنها سه دهک درآمدی کشور هزینه هایشان از میانگین هزینه های سالانه خانوارهای ایرانی بالاتر است.

شکاف هزینه ها نشان دهنده شکاف درآمدی گسترده در ایران است. در سالهای اخیر بعد از حذف یارانه، دولت ایران پرداخت یارانه نقدی به همه خانوارها را آغاز کرد و تلاش های بعدی برای حذف گروههای پردرآمد نتیجه ای نداشت.

وضعیت هزینه ها و درآمدهای خانواده های شهری ایرانی حاکی از شکاف گسترده طبقاتی در ایران است و کارشناسان می گویند که برای پر کردن شکاف طبقاتی موجود، دولت چاره ای ندارد جز این که توجه خود را به سوی خانوارهای کم درآمد معطوف کند و با حذف یارانه نقدی دهک های درآمدی بالا، کمک بیشتری را در اختیار فقرا قرار دهد.

از آنجا که این آمار خانوارهای روستایی را در بر نمی گیرد ممکن است حتی شکاف طبقاتی در روستاها بیشتر از شهرها باشد. (به نقل از آسمان دیلی نیوز - ۱۳۹۳/۸/۱۰)





تلاقی و تلازم میان آزادی و برابری

بقیه از صفحه آخر

اکتبرچین در ۱۹۴۹. نگارنده در مقالات متعددی به بررسی و تفسیر نقش های با اهمیت و تاریخ ساز انقلابات روسیه و چین در پیشبرد جنبش های توده ای رو به سوسیالیسم در تاریخ نزدیک به صد سال گذشته (بویژه در کشورهای در بند پیرامونی جهان) پرداخته است. در اینجا به طور اجمالی نقش مرکزی انقلاب فرانسه در ساختمان دنیای مدرن امروز (منجمله در فورماسیون اندیشه های رو به سوسیالیسم در درون جنبش های توده ای) را مورد بررسی و توضیح بیشتر قرار می دهیم. - انقلاب فرانسه با ترویج و گسترش اصول و ارزش های آزادی و برابری و برادری (به گویش امروزی یعنی " همبستگی ") چارچوب مدرنیته (تجدد طلبی) را در دنیای مدرن ، به نظم کشید. این نظم در درونش یک تلاقی اساسی بین ماهیت آزادی و ماهیت برابری را حمل می کرد که حل آن به نفع بشریت زحمتکش از طریق تلازم و تلفیق میان آزادی و برابری ، هنوز هم بعد از گذشت ۲۳۰ سال از وقوع انقلاب فرانسه ، به قوت خود در برنامه های مبارزاتی نیروهای چپ رادیکال مطرح است. در طول این مدت زمان مولفه های عدالت اجتماعی بر اساس اصل برابری (که کسب آنها بشریت زحمتکش و دیگر سمندیدگان جهان را به سوی تمدن عالی تری = مدرنیته سوسیالیستی = سوق خواهد داد) دایما در تلاقی ، تقابل و تضاد با بخشی از ارزش های آزادی عصر سرمایه داری (مثل آزادی بی قید و شرط در نوع و مقدار مالکیت خصوصی) قرار گرفته اند. ولی امروز بر خلاف دوره های گذشته دنیای مدرن ، ضرورت ایجاد تلازم (لازم و ملزوم و مکمل بودن) میان آزادی و برابری در وجدان بشریت زحمتکش و در استراتژی مبارزاتی چالشگران سرنگون ساز ضد نظام به یک امر تعیین کننده در امر بدیل سازی ، تبدیل گشته است.

- انقلاب فرانسه با اینکه ریشه های شجره ای و پیشینه تکامل اندیشه ها و جنبش های سوسیالیسم را در دامن خود حمل کرد ولی حتی در فاز رادیکال رشدش (دوره ژاکوبین ها) نه تنها نتوانست از طریق ترویج و تبلیغ اصل برادری (همبستگی) به تلازم میان آزادی و برابری دست یابد بلکه از حق مالکیت خصوصی حمایت کرده و آن را یک اصل " مقدس " محسوب داشت. ژاکوبین

ها و دیگر رهبران رادیکال انقلاب فرانسه با اینکه به ارزش های برابری و آزادی اعتقاد صادقانه داشتند ولی تصور بی نهایت محدود و موهومی از مالکیت بورژوازی داشتند. انگاشت آنها از مالکیت خصوصی در سرمایه داری فقط محدود به مالکیت خصوصی مزارع کوچک عموماً خانواده گی و محلاتی و یا به کارگاه های متعلق به اصناف پیشه ور در شهرها ، محدود می گشت. آنها به خاطر محدودیت های شخصی تاریخی و زمانی خود قادر نبودند درک کنند که چگونه سرمایه داری در جریان رشدش با ادغام ، انباشت و گسترش بیشتر حرکت خود (گلوبالیزاسیون) ، تمرکز فراگیر مالکیت عظیم سرمایه داری در دست اقلیت کوچکتری را اجتناب ناپذیر خواهد ساخت.

- علیرغم این محدودیت ها ، انقلاب فرانسه فقط با پیروزی بورژوازی به پایان عمر خود نرسید بلکه راه را برای تکامل پروسه تجددطلبی به پیش ، همواره ساخت. امروز نظام سوسیالیسم که به عنوان یک مرحله تمدن تر در مقام مقایسه با سرمایه داری واقعا موجود توسط آزادیخواهان برابری طلب مورد شناسائی قرار گرفته است ، دقیقا ارثیه گرانبهای بیداری و آگاهی فزاینده توده های عظیمی از مردم در ارتباط تلازم و تلفیق میان آزادی و برابری از طریق همبستگی است. به عبارت دیگر تلاقی و تقابل بین آزادی و برابری زمانی به تلازم و تلفیق و هم خوانی میان آنها منجر می گردد که مالکیت بورژوائی بر منابع طبیعی و تولیدی در دست اقلیت معدود به نفع توده های عظیم زحمتکش و ستمدیده (که اکثریت وسیعی را در جهان تشکیل می دهند) از ورای انگاشت و پراتیک اصل همبستگی ، صادره و ملغا گردد.

- تاریخ تلاقی و کارزار میان حکومت های اقتدار گرای متعلق به طبقه فرادست که پیوسته خواهان ابدی ساختن تلاقی و تضاد میان آزادی و برابری هستند و توده های فرودست کار و زحمت که طالب تلازم و امتزاج و تلفیق میان آزادی و برابری هستند ، قدمتی به درازای نزدیک به ۲۳۰ سال (از وقوع انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ تاکنون) دارد. این تلاقی و کارزار هیئت های حاکمه (بالائی ها) را پیوسته به تحکیم پایه های سلطه گر طبقاتی خود و توده های ستمدیده و زحمتکش (پائینی ها) را به عصیان ها ، جنبش ها و انقلابات رهائی بخش علیه سلطه گریهای سیاسی و استثمار طبقاتی ، برانگیخته و به نظر این نگارنده امروز تم کلیدی تاریخ پر فراز و نشیب

مبارزه در راه تلازم و ادغام میان آزادی و برابری را در سراسر جهان که هنوز هم ادامه دارد ، تشکیل می دهد. - تاریخ نشان می دهد که بعد از عروج سرمایه داری و تکامل آن به قله سرمایه داری رقابتی عصر لیبرالیسم در دهه های بلافاصله بعد از انقلاب فرانسه اندیشه اصل آزادی در اصالت فردیت و نقش فرد در تعیین سرنوشت خویش ، بطور گسترده رواج یافته و توسط نیروهای سکولار برآمده از انقلاب فرانسه وسیعا تبلیغ گشت. این اصل ظرف مدت کوتاهی مقبولیت بین المللی بویژه در کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی پیدا کرد. تحت تاثیر این اصل مبارزات ملت های اروپائی بر ضد سلطه کلیسا از یک سو و نظام های خودکامه گوناگون نیمه برده گی ، فئودالیتیه و پادشاهی های مطلقه از سوی دیگر به پیش رفته و به پیروزی های قابل ملاحظه ای در اروپای آتلانتیک و اسکاندیناوی و آمریکای شمالی ، رسیدند. علیرغم این پیروزی ها از همان اوان بر چالشگران جنبش های رهائی بخش روشنگری که از بقایای بخش رادیکال انقلاب فرانسه بودند ، معلوم و محرز بود که ضرورت تلازم و پیوند میان آزادی و برابری امری اجتناب ناپذیر در حرکت مدرنیته به پیش است و تحقق این تلفیق و پیوند مستلزم نه تنها رهائی انسان از ظلم و سلطه سیاسی سلطنت های مطلقه بلکه رهائی از فقر اقتصادی (نابرابری طبقاتی) است. در این راستا است که ما شاهد امواج خروشان عصیان ها و قیام ها در کشورهای متعدد اروپا و حتی کشورهای آسیائی و آفریقائی که مورد هجوم و تاراج استعمارگران اروپائی در دوره عروج سرمایه داری صنعتی - رقابتی در نیمه دوم قرن نوزدهم قرار گرفته بودند ، می شویم. - دقیقا در این دوره است که بورژوازی صنعتی در حال گسترش و جویای تفوق و سروری نه تنها اصل برابری و مولفه های عدالت اجتماعی را در جوامع خود به کلی نادیده می گیرد بلکه بطور یک جانبه و صرفا برای توجیه رقابت آزاد در بازار اقتصاد برای اخذ سود در جهت انباشت سرمایه و ثروت ، به استثمار سیستماتیک بیشتر کارگران و دیگر نیروهای زحمتکش خودی در کشورهای اروپای صنعتی از یک سو و بعد به تاراج کشورهای آفریقا ، آسیا ، آمریکای لاتین و اقیانوسیه از سوی دیگر ، دامن می زند. تحقیقا در این دوره است که سرمایه داران حامی لیبرالیسم تلاش می کنند که با استفاده از عناوینی چون " واقعیت های



انقلاب اکتبر فرانسه خواست و یا به خاطر ماهیتش نتوانست، درجه ای از تعدیل در تضاد میان آزادی و برابری را به وجود آورد.

اما اندیشه و انگاشت ضرورت تلازم و تلفیق میان برابری و آزادی در سوسیالیسم مارکسیستی (که به عنوان مرحله ای از تکامل تمدن بشری یک مرحله برتر نسبت به مرحله سرمایه داری در تاریخ جهان محسوب می گردد) دقیقاً از پروسه بیداری و آگاهی رو به رشدی سرچشمه می گیرد که ریشه هایش در سرنوشت شعار آزادی، برابری و همبستگی انقلاب فرانسه شکل گرفته و امروز بیش از هر زمانی در گذشته، به عنوان یک ضرورت به خواست پائینی ها در کنار چالشگران ضد نظام، تبدیل شده است.

منابع

- ۱ - علی ترکمان، "مقایسه تطبیقی اندیشه های عدالت گرایانه، "راولز" و "سن" با اندیشه های عدالت ستیز "هایک" و "فریدمن" و "حبیب الله پیمان"، "تلازم میان آزادی و برابری" در مجله "چشم انداز ایران" شماره ۸۶ تیر و مرداد ۱۳۹۳.
- ۲ - "ضمائم سخنرانان"، در سالنامه "کنفرانس فوروم چپ"، نیویورک ۲۰۱۴.
- ۳ - سمیرامین، جنبش های توده ای رو به سوسیالیسم" در مجله "مانتلی ریویو" سال ۶۶ شماره ۲ ژوئن ۲۰۱۳.
- ۴ - ولادیمیر لنین، "مسئله ارضی و مبارزه برای آزادی" نوشته ۱۹۰۶ در "مجموعه آثار لنین" به انگلیسی، جلد ۲۲، مسکو ۱۹۶۸.



**بجز نوشته هایی که
با امضای تحریریه
منتشر می گردد و
بیانگر نظرات حزب
رنجبران ایران می
باشد، دیگر نوشته های
مندرج در نشریه رنجبر
به امضا های فردی
است و مسئولیت آنها
با نویسندگانشان می
باشد.**

محافظه کار محسوب می شوند) یک گام فراتر گذاشته و ادعا می کنند که اساساً نهال آزادی جز در خاک پاک "بازار آزاد" نمی تواند رشد کند. شایان ذکر است که پیروان وفادار هایک و فریدمن امروز با حمایت مدیران "انحصارات پنجگانه" بر کلیه نهادهای اصلی دولتی (وزارت امور خارج، وزارت دفاع و...)، رسانه های گروهی جاری و اکثر اتاق های فکری (اندیشکده ها) در آمریکا را تحت کنترل خود قرار داده اند. این نئوکانها - نئولیبرال ها حتی پا را فراتر گذاشته به ستیزی فراگیر علیه اندیشه ها و انگاشت های عدالت گرایانه اندیشمندی چون جان راولز، آمارتیا سن (که ضرورتاً ضد نظام و یا طرفدار براندازی نیستند) برخاسته اند. حامیان انحصارات پنجگانه معتقدند که هر نوع دخالت حوزه عمومی یعنی دولت در امور بازار مرگ آزادی را در پی دارد. به عبارت دیگر تضمین و تامین قوانین حاکم بر بازار آزاد سرمایه داری، شرط وجودی آزادی در درون جامعه است. این دیدگاه بیانگر یکی دیگر از علائم فرتوتی، پیری و بی ربطی نظام جهانی سرمایه داری و ناکامی آن در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی است که خود بانی آنها بوده و اکنون مدتهاست که او را در بستر یک بحران عمیق ساختاری، فرو برده است.

نتیجه اینکه

- دقیقاً به خاطر ماهیت اصل آزادی و برابری دو ارزش مهم در تلاقی با هم بوده و هنوز هم هستند که نسبت میان آنها، پرونده ای همیشه باز در فضای فکری و سیاسی اجتماعی جوامع بویژه در ۲۳۰ سال گذشته از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ تاکنون بوده است. اکثریت عظیمی از نیروهای چپ رادیکال بویژه سوسیالیست ها و مارکسیست ها، قائل به رفع تلاقی و ایجاد تلازم (لازم و ملزوم = مکمل بودن) برابری و آزادی در خدمت پیشرفت جوامع بشری بوده و امروز بیش از هر زمانی در گذشته به ضرورت این تلفیق، اعتقاد پیدا کرده اند. این امر مهم تلفیق و تلازم میان آزادی و برابری تنها زمانی به نیروهای مادی در جوامع تبدیل می گردد که مالکیت بورژوازی انحصارات (مالکیت فقط یک اقلیت محدود = بالائی ها) به نفع توده های زحمتکش و ستمدیده (اکثریت عظیم = پائینی ها) به تمام معنی ملغا و مصادره گردد. تاریخ پانصدساله سرمایه داری به روشنی نشان می دهد که این نظام حتی در عالی ترین مرحله تکاملی و انقلابی خود در

قوانین حاکم بر بازار آزاد لیبرالی (قوانین عرضه و تقاضا و "تنظیم خود بخودی" و دست های نامرئی "تعادل بخش" و کنترل کننده) ساختمان زندگی اجتماعی در کشورهای مسلط مرکز (انگلستان، فرانسه، هلند و...) و جوامع مستعمراتی و نیمه مستعمراتی کشورهای در بند پیرامونی، که آلوده به استثمار و تاراج، ستم ملی و فقر و از خود بیگانگی گشته بودند از انظار عمومی، پنهان نگاه دارند. این سرمایه داران حاکم لیبرال با تقلیل مفهوم آزادی (ارثیه گرانبهای انقلاب فرانسه و جنبش های منبعث از آن) به آزادی رقابت در بازار سرمایه داری صنعتی نه تنها منکر اصل برابری و مولفه های عدالت اجتماعی گشتند بلکه راه را در همان "بازار آزاد" برای رشد و سلطه انحصارات و لاجرم گسترش جنگ های استعماری نوین در کشورهای در بند پیرامونی در عصر سرمایه داری انحصاری - امپریالیستی، آماده کردند.

- در واقع قدر قدرتی و سلطه راس نظام جهانی در فاز فعلی جهانی گرانی دقیقاً ریشه در شکاف عظیمی است که امروز بیش از هر زمانی در تاریخ دویست و سی سال گذشته جهان (از انقلاب فرانسه تاکنون) بین آزادی و برابری بوجود آمده است. روندی که بطور گریز ناپذیری به تسلط ثروتمند بر فقیر، مالک بر دهقان، حاکم بر محکوم، کشورهای مسلط مرکز بر کشورهای در بند پیرامونی (شمال بر جنوب) و بالاخره مهم تر و تعیین کننده تر سرمایه دار بر کارگر در جهان فعلی منجر گشته است. مدافعان و حامیان برجسته اقتصاد بازار آزاد نئولیبرالی در ارتباط تنگاتنگ با نئوکانها (نومحافظه کاران) و با تکیه بر ارکان های اصلی دولتی و رسانه های گروهی جاری چگونه این شکاف دائماً در حال تعمیق در جوامع را، توجیه می کنند؟

- نئومحافظه کاران و نئولیبرال ها مدعی هستند که نابرابری ریشه در تفاوت استعدادها و رفتار افراد دارد. همه آزاد هستند در مسابقه برای کسب سود بیشتر در بازار به رقابت بپردازند. اگر تفاوت و اختلافی در ثروت و درآمد و... مشاهده می شود و تعداد بیکاران فقرا، بی خانمان ها، زاغه نشینان و... زیادتر می گردد، برای آن است که آنها افرادی ضعیف، تنبل و بی عرضه هستند و رفتاری در خور موفقیت در چنین رقابتی ندارند. مدافعان برجسته اقتصاد جهانی حاکم مثل فردریک فون هایک و میلتون فریدمن (که امروز از معروفترین پدران معنوی نئولیبرال های نو



در جنبش جهانی کمونیستی

در جبهه جهانی کمونیستی
۲۰ سال زیر آتش! هزاران نفر
بیستمین سالگرد تاسیس حزب
کمونیست مارکسیست - لنینیست
ترکیه را جشن گرفتند!
بولتن بین المللی حزب کمونیست
مارکسیست - لنینیست
شماره ۱۴۵، ۱ نوامبر ۲۰۱۴

در جشن بزرگ هزاران جوان، زن و پناهنده بیستمین سالگرد تاسیس حزب ما را

در شهر لورکوزن آلمان گرامی داشتند. هزاران نفر از چندین کشور اروپا برای شرکت در این جشن حزب ما تحت شعار «قیام، انقلاب، سوسیالیسم!» حضور یافتند. افرادی از فرانسه، انگلیس، سوئیس، بلژیک، اتریش، اسکاتلند، کروآسی و اسپانیا در این جشن بزرگ شرکت نمودند. این جشن توسط سازمان جوانان کمونیست با تظاهراتی پر شور و قدرتمند شروع شد. شعارهای نظیر «زنده باد ح.ک.م.ل.» «زنده باد کوبانی» یا «قیام، انقلاب، سوسیالیسم!» زیر پرچمها و پلاکارتهای

حزب توسط دهها جوان در خیابانهای لورکوزن حمل شد. برنامه این جشن با بحث پیرامون انقلاب روجاوا شروع شد، که در آن آریا عیسا نماینده پ.ی.د. و ابراهیم چیچک روزنامه نگار سوسیالیست پیرامون وضعیت در کوبانی، اهمیت انقلاب روجاوا - فراتر از محدوده اش - و مبارزه در خاورمیانه به بحث پرداختند. تعدادی از شرکت کننده گان در این جشن سوئالاتی کردند و به موضع گیری کوتاه پرداختند. نماینده ای از ح.ک.م.ل. از هزاران شرکت

شکاف عظیم نابرابری در جهان سرمایه داری!

بر ثروت در جهان با نرخ ۵٪ می تواند مخارج مدارس کودکانه و مخارج پایه ای مریضها را در ۴۹ کشور فقیرترین تامین کند. از گوستاو خو هولم - مترو، ۲۰۱۴/۱۱/۳

چنین است "عدالت اجتماعی" ای که نظام سرمایه داری در جهان بوجود آورده که از نظر تاریخی این شکافی بی نظیر است در تقویت نابرابری در بین انسانها!! به دو نمونه زیر توجه کنیم:

اوکسفام برای ثروتمندترین شخص جهان، بیل گیت، برای خرج ثروت خود بیش از ۲۰۰ سال با یک میلیون دلار در روز وقت لازم است. در عین حال این سازمان انگشت گذاشت روی این امر که چنین کاری ممکن نیست چون که با بهره ی ۹۵٪ وی بیش از ۴ میلیون دلار در روز بدست می آورد. طبق این سازمان شکاف بی نهایت نابرابری به فساد، موانع اقتصادی رشد به وجود می آورد و به تضعیف آن پایه جهانی منجر می شود که جامعه بر روی آن بنا شده است. اوکسفام یادآوری می کند که مالیات بستن

خرج یک میلیون دلار در روز طی
۲۰۰ سال!

گزارشی که توسط سازمان کمک رسانی اوکسفام انجام گرفته شکافهای جهانی بین ثروتمندترین و فقیرترین را نشان می دهد. در شروع امسال این سازمان محاسبه نمود که ۸۵ ثروتمندترین افراد در جهان با هم صاحب همان قدر دارائی بودند که نیمی از فقیرترین ساکنان جهان. بعد از آن این ۸۵ نفر با هم روزانه ۶۶۸ میلیون دلار درآمد داشتند. بر اساس محاسبات

تلاقی و تلازم میان آزادی و برابری

از انقلاب کبیر فرانسه تاکنون

جهان، تاکید می ورزید. علاقه دارم توضیح و تفسیری بیشتری از شما را در مورد این مطلب، داشته باشیم.

پاسخ به تفسیر: در شکل گیری و تکامل تاریخی ساختار دنیای مدرن، سه انقلاب بزرگ به نوبه خود نقش های کلیدی و مرکزی داشته اند: انقلاب فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه در ۱۹۱۷ و انقلاب

این نشریه بعد از طرح یکی از این سئوال های مهم به ارائه پاسخی که می تواند به نوبه خود بحث انگیز هم باشد، می پردازیم. پرسش: شما در نوشته ها و سخنرانی های خود همیشه به اهمیت کلیدی انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه که به تمام معنی یک انقلاب بورژوائی (سرمایه داری) بود، اشاره کرده و به تاثیرات آن حتی در وقایع اخیر

- در عرض یکسال گذشته تعدادی از رفقا و هموطنان علاقمند و همچنین تعدادی از شرکت کنندگان در اتاق های پالتاکی، سمینارها و کنفرانس اخیر فوروم در نیویورک یک سری پرسش های مناسب و بجائی درباره مطالبی که نگارنده ارائه داده اند، مطرح ساخته اند که فوق العاده حائز اهمیت می باشند. از این شماره به بعد در

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
 P.O.Box 5910
 Washington DC
 20016
 U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org